

تا بخط شمند و فریک در مابین (مادیانو) ، و (سویاتون) بود طرف دودفع کردند .
 در باب حرکات امروزیستلوی غند (۴) م این تفصیلات را بخاطر هایبانی میکنند :
 « بر (حانچوپو) از خیمه هجوم بردن غیر قابل مینمود . (حانچوپو)
 میباشد که از ضرب خط شمند و فر احاطه شده از پهلو و پشت هجوم بر آن
 برده شود .

« اضطرابات و مستقانی که عسکرهاي قراول ژاپان که (۳۰۰) متره دور
 تراز و وضع دشمن به بهره کشیدن مجبور بودند ، و بروزها گرسنه و تشنه و
 سردی شدید ، و زمینهای یخ بسته در زیر بومبارد مان آتش طوپ دشمن
 بسر آورده اند متنوع التصور است .

« حرکت احاطه موضع مذکور در شب (۶) م مارچ آغاز نهاد . اما
 چون اراضی بخوبی کشف نشده بود خیلی به آرامی پیش رفته میشد . روز
 (۷) م مارچ حاضرین همه امکان شده به هجوم آغاز شد . روسها خط شمند و فر
 را نخستین خط مدافعه قرار داده بودند ، و در امر تکمیل و تقویت آن بسیار
 قدا کاری بخرج داده بودند .

« اول يك كندك به پیش رفته بتدریج (۳۰۰) متره بشمند و فر نزدیک شدند ،
 بیشتر از آن بیشتر رفتن خیلی سهلت بود ، ژاپانها با کمال توجیهی به چهار قرار
 دادند . خط پیشرویشان گردید ، سفید در توشه های پان کراواتی
 رفتند . و روسها را از خط شمند و فر به آن طرف برانداختند . روسها در شرکت
 يك منظره عجیبی در عسکر ژاپان تماشا میکردند :

« میدیدند که يك قافله نفرهایی که تخته چوبهای دراز درازی را بصورت
 عمودی بدست داشتند جنبان جنبان بسوی شان می آمد چون به نزدیک
 دامها و شبکه های سیمی روسها رسیدند هاندم بيك چستی و چالاکي بسیار

عجیبی نخته چو بهار از روی سیمه‌ها دراز انداختند ، و تا می‌دیدند که چه میشود
 کند یک از همه بیشتر بود بیک صوت طاقت بر اندازانه بر آنها برآمده خود را
 در خندقهای شکاری و استحکامهای روسها بر تاب کردند . در طرف یکدو
 دقیقه در میان تمام استحکامها و سپرهایك مجادله و حشیانه بر پا کردند و خورد
 سر نیزه و تیغ و خنجر و لنگد و دشت و دندان بریاشد .

« روسها تدریجاً به خالی کردن موضعهای خودشان آغاز کردند (حا
 نجوپو) بساعت (۱۱) از طرف ژاپنها استیلا کردند . این موضع اهمیت
 فوق العاده را مالک بود . زیرا این موضع خط جبهه روسها را از پشت و پهلو
 تهدید میکرد ، و در آن موضعهای مستحکم خود را محکم کردن محال میشد .
 « فی الواقع بمنجر دیک (حانچوپو) سقوط نمود روسها عموماً بر جهت آغاز
 نهادند ، و برای مشغول ساختن دشمن ، و ستر کردن رجعت کردن خود در
 استحکامهای خود شان قوتهای خفیهی گذاشتند .

« در مقابل تول غند های (قور وکی) و (قاوراورا) نیز مساومت و
 توانایی روسها دوچار تزلزل گردید . در (۸) م مانچ بوقت صبح جناح
 چپ ، و همه مرکز تول غند ژاپن بکمال متانت بر خط مدافعه نوروسها پیش
 روی آغاز نهادند . »

همه این مخاربه میدان (موکدمن) از بیک قریه کوچکی که (۱۲) کیلو
 متره در جنوب (لاموتون) واقعست ، و از بیک خانه کوچکی که درین قریه
 میباشند شرق و اداره میشد . و لوله ، و دغدغه هزاران طوپهای آتشفشان
 که در سینه حرب اجرا میزیست میکرد احتمال که به این قریه هیچ عکس
 نمیکرد را اگر میکرد هم بصورت بسیار مبهمی عکس میکرد .

این خانه کوچک بمثابة دماغ وجود انسان بود ، و چنانچه جمیع رگها

و پی های وجود بشر به دماغ مربوط است ، و همه حرکات بشر تابع حسابات همان دماغ است پس اگر وجود بخار به را وجود يك انسانى فرض کنیم این خانه كوچك را بمثابة دماغ آن قیاس باید کرد ، و چنانچه همه پی های وجود بدماغ مربوط است ، هر نقطه میدان بخار به نیز با سیمهای تلگراف و تلفون بهمین خانه مربوط میباشد . هر کار در همین خانه تفکر میشود ، و هر حاضرى در همین جا دیده میشود . و همه آن تون غنچه به آن بزركى در امور جزوى و كلى از همین خانه كوچك و محقر سوق و اداره میشود .

همه فعالیت و حرکت صدها هزار آدم كه بصددها كيلومتره زمین را فرا گرفته اند از طرف يك شخصى كه در میان چهار دیوار همین خانه كوچك نشسته تریب و تنظیم داده میشود . این آدم يك چیزى تصور میکند ، و بعد از دو دقیقه این تصور و تفکر او بجهت شصت كيلومتره به آنطرف صدها هزار آدم را بیکبار حرکت می اندازد ، و بایست هزار آدم را دافسته در دریای آتش و خون غوطه میدهد ، و یا هزارها ظوب را بفرش می آورد ، و یا یکچند كندك را در ظرف يك ساعت پی نام و نشان میسازد .

بيك سخن این آدم طرز جریان وقایع حربیه ، و مسلك سیاسیه چند حكومت علاقه دار تبدیل و تزلزل یافته میتواند ، و يك عبارت آن ، موجب تبدیل عظیم تاریخ بشریت میشود . این آدم را البته قارئین گرام شناخته باشند كه جناب ماره شال (او یاما) است .

یکی از مخاپرین حرب كه قامتگاه و قرارگاه ماره شال (او یاما) را زیارت کرده مشاهدات خود را به اینصورت حکایت میکند :

« در خانه دقتانی يك چینی ، واسع و راحت يك اوتاق . در يك گوشه این اوتاق يك بخارى آهنین بسیار گرم ، در پیش پنجره بزرگ این اوتاق كه

بر قفسهای سیمی آن کاغذهای شفاف چسبانیده شده بود يك ميز بسیار بزرگ . بر روی این ميز يك خريطه — یعنی يك نقشه خیلی بزرگ دار الحرب ما نچوزی هموار و بیخ شده بود . برین خريطه در هر جا جسمهای چار گوشه دندان فیل که نمبرهای رنگارنگ مختلفه بر آن محکوک بود گذاشته شده بود ، و این جسمهای استخوانی نمبردار از خود فترهای فولادی داشت که بر روی خريطه در هر نقطه تیکه دله میخواست ثابت کرده میشد .

• در پیش این خريطه يك جنرال نشسته بود که به تفکرات عمیقه فرو رفته و چنان محو شده بود که گویا نقش همان خريطه گشته است . این جنرال ، رئیس عمومی ارکان حرب تول غند ژاپان ، بارون (قوداما) بود . در پهلوئی جنرال (قوداما) يك جنرال دیگری نشسته بود که بر جسمهای نمبر دار مذکور حصر انظار دقت کرده ، و برای حرکت دادن آن در هر آن حاضر و آماده بود . این جنرال معاون رئیس ارکان حرب جنرال (فوقوشیما) بود . در يك گوشه این میز در مابین دو آله تلفون يك غند مشر ارکان حرب نشسته بود که با مخابرات تلفون چنان مشغول بود که بدیگر هیچ چیزی نمیر داخت . در عقب این میز ، و در پیش دیوار يك ميز دیگری بود که بر روی آن میز نیز بعضی آلات و ادوات فنیه موجود بود ، و دو کپتان ارکان حرب با آنها مشغول بودند .

• خورد مازه شال (اوایاما) در وسط اورتاق بر يك آرام چوکی نشسته بود ، در سپایش سکونت ، و مدتات عمیق روی نمابود . گاه گاه يك اردودی هر طرف چهره مازه شال را الحاطه میکرد . مگر مازه شال سیکاره میکشید ، و بر میزی که در پیش رویش افتاده بود يك کاسه چای بسیار خوشبویی مانده شده بود . در پیش رویش دو جنرال دیگر نشسته بود .

« دو افسر ارکان حرب که در پیش میز نزدیک جنرال (قوداما) نشسته بودند با آنکه (سنته نوغراف) امرهایی را که جنرال میداد قید و ثبت میکردند و بر هر امر وقت و زمان دادن آن امر را با ساعاتهای قرونومتر و اشارت کرده برای دستخط به نزد ماره شال تقدیم مینمودند. ماره شال عینک طلای خود را بکمال اعتنا بر چشم خود نهاده کاغذ را امضا میکند.»

« در پہلوی این اوتاق يك دالان بزرگ دیگری بود که درین دالان به پہلوی همدیگر هفت ماشین تلگراف موجود بود، این هفت ماشین از طرف هفت نفر افسر بيك آهنک دائمی استعمال میشد، و بقدرده دو اژده افسر دیگر تلگرافهایی را که از نقاط مختلفه دار الحرب می آمد نوشته و پاک نویس میکردند.»

« درین دالان و این اوتاق بجز طراقة بکرتک و بيك آهنک ماشینهای تلگراف دیگر هیچ صدا و ندایی شنیده نمیشد. آیا بخیال و خاطر کدام کس بگذرد که این ادهای ساکت و ساکن درین وقت به سوق و اداره يك محاربه میدان بسیار مد هس و خون ریزی مشغول باشند؟»

در ساعت (۸) روز (۷) م مارچ جنرال (قورویا تکین) خالی شدن جبهه جنوب خط حرب خود را امر نمود. در (۸) م مارچ مقرزه جنرال (ره نتقامف) بکمال انتظام بسوی شمال بر جهت آغاز نهاد.

در تول غند اول روس، قول تول غند (۳) م سبیریا و نصف لوی غند (۷۲) م پیاده، و قول تول غند (۲) م سبیریا، و قول تول غند (۴) م سبیریا در همین روز رجعت قهقرئی، ناظمی اجرا کردند. رجعت تول غند بسیار خوب حاضر شده بود. راهها شیکه تا به (هونهو) رفته بود خیلی واسع و منتظام بود. عسکرهای تول غند اول روس به انتظام تمام رهسپاری داشتند اینها از طرف ژاپنهایی آنکه بيك ضررا شکاری دوچارا بند به نهر (هونهو) واصل شدند.

تول غند (۳) م ، و اقسام تول غند (۲) م روس رجعت خودشان را به بسیار اسانی اجرا کرده نمیتوانستند . چونکه آنها برای تسهیلات رجعت اردوهای مذکور دیگر دیروز و پرویز بمخاربه های شدید معروض شده بودند ، و درین وقت راههای شان را بسی عریض ها ، و طویله ها ، و قافله های لوازمات حربیه بسته کرده بود . مع هذا این قطعات نیز بی آنکه بمشکلات بسیار بزرگی گرفتار شوند به (هونو) واصل شدند ، و از یله های پیش ازین حاضر شده بود ، و بعضی از روی یخها نهر را گذر کردند .

دمدارهای تول غند سوم روس در ساحل جنوب نهر ، و در داخل استحکامات (سریل) ماندند . دمدارهای تول غند اول و مفروزه (ره نقامف) در ما بین (نولین ، و فوشین) در میان استحکاماتی که ساخته شده بود توقف کردند . و آنها ، از چند روز به اینطرف رجعت کردن روسها را حساب و ملاحظه کرده بودند ، اما کشف کردن رجعت قطعی شان را در شام (۷) م مارچ دانستند بنا برین محرکات عقب گیری خیلی ناوقت آغاز شده بود .

در وقت صبح (۸) مارچ از قرار گاه عمومی بر تول غند ها این امر اعطا گردید : مسئله مهم اینست که دشمن را از ما بین (قوشون) و (موکدون) جدا باید کرد . بنا برین هر لوی غند ضایعات خود را بنظر نیاورده تا که ممکن باشد سرعت و شدت پیش بروند ، و امروز میباید که به نهر (هون) واصل بشوند . بره فرزه های ضعیف دشمن نظر دقت عطف نکرده قطعه های بزرگ را بدست باید بیارند .

غبرک غند (۱۵) م لوی غند (۲) م تول غند نخستین جنرال (قوروکی) پیش از پیشین حرکت کرده ، و تا به شام ۸ کیلومتره مسافه قطع نموده به (شو پوزا) ، و یک قول جناح چپ آن به (بندیاپو) واصل شد ، قوماندان لوی غند

باغبرك غند (۳) وم در نیم شب به (لیو کیاچی) رسید .

لوی غند (۱۲) هم تزل غند مذکور نیز پیش از پیشین بساعت (۷) بحرکت
! غاز نهاده (۳۰) کیلومتره مسافه قطع نمود . جناح چپ این لوی غند ایما با
دشمن بحالت تماس بود . غبرك غند خاصه، احتیاط لوی غند (۱۲) هم را
تعقیب نمود .

موضع دشمن که در مقابل جبهه لوی غند خاصه خالی شده بود در نیم شب
(۸) م مارچ از طرف لوی غند مذکور استیلا کردیده بود . امر عقب گیری به
این لوی غند بساعت (۸) واصل شد . و هماندم غبرك غند خاصه (۲) وم ؛ و
غبرك غند خاصه (۱) م در جوار (فیندیابو) اجتماع کرده بعد از پیشین بساعت
بلك بحرکت پیش روی آغاز نهادند . قول جناح راست در راهای دشمن را
طرد کرده تا بشام (۱۷) کیلومتره ، و قول جناح چپ (۲۶) کیلومتره مسافه
قطع کردند .

لوی غند (۱۰) هم تول غند (۴) م (۱۳) کیلومتره ، و لوی غند (۶) م تول
غند (۹) کیلومتره مسافه قطع کردند . لوی غند احتیاط این تول غند از پشت
سرگز سردو لوی غند حرکت میگرداند .

لوی غند (۴) م بادو غبرك غند احتیاط باز در زیر قوماندۀ تول غند (۳) وم
درآمده امر و زتابه جوار (شان تون) پیش رفتند و در اینجا در پیش استحقکات
روس توقف نمودند . لوی غند (۵) پیش از پیشین اولاً (یلتایز) و بعد از آن
(مادیابو) را استیلا نمود . لوی غند (۸) م مقابل موضعهائی مستحکم روس در (فانگیا
تون) (یا زنتون) پیش شده نمیتواند غند . لوی غند (۳) وم جناح چپ خود را
بسوی شمال تمهید داده و بادشمن به آتش ضوئیه آغاز نهاده بود .

تول غند (۳) وم (نوژی) بسبب حرکتی که یکسر بسوی چپ اجرا میکرد

در مابین او و تول غند (۲) و م (اوقو) هنوز از (۷) م مارچ جا خالی فراخی حاصل شده ، و رفته رفته این خالی گاه وسعت پیدا میکرد لهذا برای پر کردن این جا خالی در وقت شام (۸) مارچ جنرال (اوقو) قسم کلی لوی غند (۸) م را از موضعی که داشت در کشیده یکسر بسوی شمال سوق نمود .

تول غند (۳) و م جنرال (نوژی) در روز (۸) م مارچ از قرار آگاه عمومی امر گرفت که بهر قدر ضایعاتی که باشد انقضا نکرده دشمن مقابل خود را پریشان سازد . لهذا لوی غند (۷) م خود را در عقب گذاشته باغبرک غندا احتیاط بر خط (سیاواستون — فاکانزیتون) تعرض نمود . و بوقت شام بر ضبط موقع (سیاواستون) موفق شد . لوی غند (۹) م بر (پادیازا) حرکت کرده آن جا را ضبط نمود ، و بر رفتار شمالی خود دوام ورزید .

لوی غند (۱) م هجومهای خود را متبادیاً تجدید و تشدید کرده بضبط کردن خط (زانتانچی — لیودیاقو) کوشش میورزید . روسها نیز درین طرف از اقسام تول غند (۳) و م خود در هر ساعت قوت گرفته و جناح راست خودشان را تمدید مینمودند .

این حوادث روز (۸) مارچ را یک مخبر عسکری به اینصورت حکایه میکند :
« روز (۸) م مارچ ، روسها قسم جنوبی نهر (هون) را یکی یکبار تخریب کرده بودند ، ژاپنها ، موضعیهای مستحکمی را که از هفته ها بر آن اجرای هجوم مینمودند ، بهر ایگان یگان ضبط و استیلا کردند . تپه (پوتیلوف) که سبب آنقدر فداکاری های عظیمه گردید بود صبح روز (۸) م مارچ بکمال سهولت بدست آمد .

« درینوقت مانع عظیمی که بر طرف کردن آن لازمست همان نهر (هون) است . تول غند روس یکی یکبار بقدر (۱۵) کیلومتره عقب رفته بود ، و نهر هون را

در مابین خود و دشمن مانع قرار داده بود ، و انهمه مقاومت معنادانه که در مرکز و جناح راست اجرا میکرد منقطع گردید .
« تول غند های (نوزو؛ قور وکی؛ قاوامورا) سر راست بسوی خط مداخله جدید روسها بر رفتار آغاز نهادند . موضعهای مستحکمی که با ولوله پردهشت حرب و جدال ، و بمبارد مائهای دوزخین مثال بیک خرابه زاری تحویل کرده بود درینوقت بایک پرده خون الود حزین و مؤلمی مستور و متروک در عقب مانده نایره حرب بایک وحشت متزاید در موضعهای پیشتر از آن بکمال شدت و خون ریزی در گرفته بود .»

— { وقایع از (۹) م مارچ تا ختام محاربه میدان (موکدهن) } —

در نهم مارچ بک گردباد بسیار شدید خاکی الودی که چشم چشم را نبیند حکم فرما گردید . این گردباد برای هر دو طرف فائده مند شده بود . زیرا روسها در اجرای رجعتهای پر مشکلات خود شان ، و ژاپنها در باب حرکات رفتار تول غند (۲) و (۳) و خود که بسوی چپ پیش میرفتند ازین خاک باد سهواً لذت دیده بودند .

ماره شال (او یاما) این یک را در ک نمود که تعرض تول غند (۳) و جنرال (نوزی) بر استقامت جنوب شرقی جناح چپ او را به تهلاکه میاندازد . بنا برین بر تول غند مذکور امر نمود که زیاده تر از شمال گردش کرده بر جاده (موکدهن) — تیه لینغ) بک جبهه موازی بگیرد .

جنرال (قور ویا تکین) نیز مجبور بود که برای رهایی دادن تول غند خود را از تهلاکه و ستر کردن رجعت خود محاربه های بسیار شدید و معنادانه دمدار اجرا نماید .

درینجادر باب حرکات لوی غندهای (۵) و (۸) م تون غند (۲) و م ژاپن، از تاریخ (۴) م مارچ به اینسو از زبان مخبر حرب ایتالیایی موسیو (بارزینی) این تفصیلات را بیان کرده باز بسند رجوع مینمائیم :

« لوی غند (۸) م تون غند جنرال (اوکو) که جناح چپ تون غند و لوی غند (۵) م که مرکز اردو را تشکیل داده بود در (۴) ماه مارچ در پیش روی سد شمندو فرواصل شده و بادشمن بمحاربه آغاز نهاده بود ، جنرال (اوکو) به این دولوی غند امر هجوم را عطا نمود .

« موضوعی که روسها اثر آن حکیم بود و بوده از موقعهای (یاژیتون سدزاناچو) گذشته تا به (موچاپو) تمادی کرده رفته بود ، عملیات حکیمیه از نهایت جنوری آغاز نهاده بود ، جنرال (قورویاتکین) از یک حرکت دور خوردن دشمن ازین طرف در اندیشه بود ، و به اینسبب در باب محکم شدن این موضع خیلی اهمیت داده بود ، فی الواقع درین اندیشه و تخمین خود خطا هم نکرده بود ، چونکه اگر این موضع مستحکم و وجود نمیبود (موکدهن) خیلی وقت از ضبط میشد ، و اغلب احتمال خط رجعت هم تون غند روس قطع میگردد .

« پیاده روس بدزازی سد شمندو فر تعبیه شده بود که در پیش روی شان پوست (۱۵۰۰) متره یک میدان انداختی و وجود بود ، ژاپن ها بمجردیکه به پیش رفتن آغاز نهاده از موضع روسها نخستین گله های طوپ بر آنها ریختن گرفت و نزدیک ها را عقب بردند بصدقه فعالیت داخلی میشدند ، و خط آتش رفته رفته وسعت پیدا میکرد ، از میان درختهای قریبه عایشیک روسها آنها را محکم کرده بودند عاری های آتش طوپ بریده میشد ، ژاپنها به اینصورت به شمردن عدد طوپ های دشمن و کشتن کردن موقعهای آنها موفق میشدند ، تنها در مقابل لوی غند (۵) م ژاپن (۷۶) قطعه طوپ روس وجود بود .

• يك غبرك غندين لوی غندك در زیر اداره جنرال (سوریزاوا) بود برای هجوم به پیش سوق گردید . طوب خانه های روس برای جستجوی موضع طوب چئی ژاپان کله هائیکه میانداختند در میان درختها اشتعال ورزیده شاخهای درختانرا و خود درختان را پاره پاره میکرد . طوب های روس گاه گاهی که موضع طوب چئی ژاپان را می یافتند بکچند دقیقه متبادیان نقطه کله باری کرده آنجا را به آتش ودود مستغرق می ساختند .

• طوب های ژاپان نیز در دایره اصول وانتظام بر کار خود دوام میورزیدند . اما عسکر پیا دة شان بيك آرامی و احتیاط فوق العاده پیش رفته میتوانستند . همه عسکر های ژاپانی در میان غندك های بسیار موجوده روس ، همان غندك که خود آنها را میگویند ، میشناختند ، و در یتباب ملکه و مهارت پیدا کرده بودند . لهذا از آن غندك هیچ چشم خودشان را بر نمیداشتند ، و بمجردیکه شعله آن طوب ها را میدیدند ، هاندم در پشت يك ملجاء و پناه گاهی میخزیدند ، و در انجا کفیده شدن بمهارا انتظار میکردند . بعد از بکچند ثانیه کله های هم دفتمه اشتعال میکرد ، و يك باران شدید کله همی بارانید ، در ظرف این چند ثانیه خلیجان وانديشه که حکمفرما میشد تصویر کردن آن به اینصورت که از دور انسان بقلم تحریر کند ممکن نمیشود مگر که انسان با این افراد در زیر آن باران کله بالذات موجود باشد .

« با وجودیکه هجوم تابشام دوام ورزید باز هم بیچ ثمره حاصل نشد . در شب هجوم تعطیل کرده شد . امشب خیلی تاریک و سرد بود . در مسافه (۸۰۰) تریه دورتر از پیاده روس ، ژاپنها در حالتیکه بر نظام محاربه بودند بخواب رفتند . قراولهای دیده بان شان صد تریه بر وسها نزدیکتر بهره و پاسبانی میکردند . »
« صبح بوقت فجر افراد قراولهای پاسبان پیش رور برای استراحت کردن

به پس آورده بعوض آن دیگر افراد فرستادند. یکی ازین افراد بطرف خسته
خانه روان شد، زیرا رخسارش بازخیمهای کوچک کوچکی مجروح و خون آ
لود بود. دا کتری که آن را معاینه کرد از او پرسید که :

— روی ترا چه شده که اینچنین شکاف شکاف شده است .

نفر بجواب گفت که :

— زخیمهای روی من از کله دشمن نیست من خود اثر از خیم کرده ام .

دا کتر گفت :

— چرا ؟

نفر — من در خط قر اولهای پیش پیره میدادم . از بیم آنکه مباد این خواب
بروم ، و این خواب من يك نتیجه فلاکتی بر رفقای من پیش بیارد در خسار
خود را باسر نیزه خود مجروح ساختم تا خواهم نبرد .

« روز (۵) م مارچ هوا خیلی ده ، الود بود ، غبرك غند (سوریزاوا) سر از
نوب هجوم آغاز نهاده در زیر آتش طوب و تفنگ بسوی موضع دشمن بعزم و
متانت تمام پیش میرفتند . تا آنکه بموضع سد راه آهن به نزدیک شدن موفق
شدند . و بيك هجوم هزارانه قیام ورزیده یا کله های دستکی يك قسمی از
سد را بر هوا کرده بر ضبط و تسخیر آن موفق و کامیاب آمدند .

« بعد ازین موفقیت قطعه قریب و امین دیده میشد . (موکده ن)
يك کتی به انطرف در منتهای افق دیده میشد . گاه گاه در میان درختان از
دور دودهای (لوقو موتیف) شمند و فر دیده میشد که در (موکده ن)
رفت و امد داشت . نفرهای ژاپانی که اثر امیدیدند بدستهای خود چنان او
ضاعی نشان میدادند که گویا میگویند « بسست ! بعد ازین برسیاحت خود
دوام نخواهی ورزیدی ! »

« محاربه بکمال شدت باز دوام ورزید . عسکر پیاده بر موضعهای روس که در شرق سد شمنند و فریبود به تعرض دوام ورزیدند ، معینا از مهاجماتی که تا به شام دوام ورزیده، شایان تذکار یک نتیجه حاصل نشد .

« امشب یک شب بسیار سرد محاربه بود . ترمومتره تحت الصفر (۱۹) درجه را نشان میداد (۲۰،۰۰۰) نفر بدون حرکت در میدان خوابیده بودند . صبح روز (۶) م مارچ آغاز نهاد . حال و وضعیت محاربه هیچ تبدیل نیافته بود .

« قوماندان لوی غند و قتیکه را پورت افسر ارکان حرب لوی غند را که اختیار کردن مدافعه را تکلیف نموده بود بخواند گفت : « مدافعه کردن و عقب کشیدن را هیچگاه قبول نخواهم کرد ! » و هماندم بر هجوم امر داد این امر چنین بود که گفتان (سوری) بایک غند احتیاط از شمال (زاتاجو) یک حرکت اساطه اجرا کند و قسم کلی از جبهه هجوم برد .

« غند احتیاط سدر گذشته و بعد از آنکه ضایعات بسیاری دادند بقدر (۷۰۰) متره دورتر از موضعهای روس در میان یک عارضه زمین خزی بدند . ولی چون قوه امدادیه روسها بدرجه یک لوی غند دیگر بالغ شده بود ژاپنها هیچ کاری پیش برده نتوانستند .

« صبح روز (۷) م مارچ هوا صاف و براق بود ، طویچی از صبح وقت بکار آغاز نهاد . در میان طوپهای روس طوپهای بزرگ (۱۵) سانتیمتره بی که دانه های طور پیل بر پیاده ژاپنها در میدان میر میختاند نیز موجود بود . این کله ها وقتی که بر زمین اشتعال میورزید ابرهای کثیف دود و خاکی را بر هوا میگرداند از بلندی درختها دیده بار بلندتر میبرآمد ، و بر مهرانیک پرده کثیف ظلمتی پهن میکرد .

« بعد از يك دو ساعت سر از نو بر تمام خط حرب اجرا شدن يك هجوم توی امر داده شد. در ظلمت کثیف شب خط نخستین بر موضعی (ژاتاجو) پیش دویدند. ژاپانیها وقتیکه به (۷۰۰) متره نزدیک شدند روسها در تاریکی آتش کشادند. هنگامیکه ضیای فجر منتشر میشد مهاجمین (۱۵۰) متره نزدیک شده بودند. روسها در پیشگاه موضع اصلی خودشان رودوتهای ممنوع التسخیر بسیار قوتمندی بوجود آورده بودند.

« ساعت (۸) از صبح باز يك گردباد شدید فوق العاده برخاست این گردباد دانه های ریزک منجمد شده را مانند کله می افشانند. و همه اطراف را ناقابل تصویر بیک هرج و مرج می انداخت.

« در میان صفهای مهاجمین مقدار مقتولین و مجروحین رفته رفته افزونی میگرفت. وقتی که امر بر خاستن هجوم میشد يك ثلث افراد بر میخواستند و دو ثلث آن مجروح و مقتول افتاده میبودند. افراد غنم متعاقب هم دیگر می افتادند. در ظرف یکساعت امر قوماندانی بدو کرنیل، و بعد از کمی به سه گفتان، و بعد از کمی دیگر تنها به يك صوبه دار منحصر ماند.

« ساعت (۱۲) بود که يك چاوش به بسیار عجله و تلاش به کلبه جنرال درآمده خبر تمام شدن جبه خانه را رسانید، و از بسیاری هیجان دستهای خود را روی خود کشیده میگريست. و میگفت که عسکرها که بر خط حرب بست بلا حرکت و بیکار در خندقها نشسته اند.

« بقدر دو ساعت بیک تلاش و هیجان ناقابل تعریف گذشت. اما بوقت شام علامات رجعت در هر طرف تول غنم دشمن پدیدار گردید. سر از نو امیدها پیدا شد. در سایه ظلمت شب بعسکر جبه خانه توزیع شده برای هجوم بزرگ آخرین حاضرینهای لازمی دیده شد.

« در وقت صبح (۱۰) هم مارچ عسکرهای لوی غند (۵) م بر قصبه (زانچو) هجوم کردند. قصبه از طرف دو کندی روس که خدمت دهد دار را میدید محافظه میشد. روسها غیر منظم یک دو فیر تفنگ کرده قصبه را خالی کردند. گویا این دو فیر نهایت رسم سلام و تعظیمی بود که برای طرف غالب بجا آوردند.

« لوی غند (۵) م بعد از این محاربه تیمکری دبلکه یکسر بسوی استاسیون (موکدهن) که در حالت سوختن بود پیش میرفتند. با این استاسیون همه محله روس شهر را نیز آتش گرفته بود. و در میان این حریق همه خیالها و افکارهای روس نیز همسوخت.»

« هنگامیکه این لوی غند (۵) م بر (نازاچو) هجوم میکرد لوی غند (۸) م نیز بر (پازیاتون) و (فانکیاتن) هجوم میبرد. و مدت شش شبانه روز جنگهای بسیار خونریزانه بوجود آمده بود که آنها از (۴) م مارچ آغاز و تا به (۱۰) هم مارچ به جهت عمومی روسها به انجام رسید که تفصیلات محاربات این لوی غند نیز ازین قرار است:

« روز (۴) م مارچ بحاضرتی هجوم گذشت. در وقت ساعت (۱۱) شام از طرف قوماندان لوی غند اسر رسید که بوقت صبح روز (۵) مارچ به هجوم آغاز شود.

« هنگامیکه ژاپنها از اسالمهاجه خودشان به پیش رفتن آغاز نهادند در میدان محاربه یک سکوت تامی حکمفرما بود. از دور عکس و لوانه و غاشنیده میشد.

« هجوم از طرف دو غند پیاده اجرا میشد. (۲) غندک طوب، و یکچند تفنگ ماشیندار هجوم را حمله میکردند. روسها هیچ جواب تمیدادند. و تا بوقتی که بقدر (۸۰۰) قدم بموضعهای روس نزدیک شدند هنوز هم از طرف روسها هیچ اثر حرکت پدیدار نبود. لهذا از طرف قوماندان غند یک تولی به پیش سوق شد که تا به بیند روسها در موضع خودشان هستند یا نه.

تولی مذکور بخند قهای شکاری بجزردیکه بقدر (۴۰۰) متر نزدیک شد

دفعه از طرف روسها به آتش بسیار شدیدی گرفتار آمدند. در عقب آن طو
پچئی روس نیزه اجرای فعالیت آغاز نهاد. در طرف (۲۰) دقیقه معلوم گردید
که در يك نقطه موضع مدافعه زیاده از (۱۳۰) طوپ مجتمع میباشد.
« جنرال (اوقو) طوپچئی لوی غند خود را همچنان تقویه یافت. لهذا به غندك غند
طوپچئی تول غند جنرال (اوقو) مراجعت کرده مدد خواست. در وقت صبح
(۶) م مارچ (۲۴) قطعه طوپ صحرا که (۱۲۱) قطعه آن روسه ضبط شده بود
با يك غندك طوپ (۸۰۰) به لوی غند (۸) م جنرال (اوقو) در برادره قوماندان
لوی غند توزیع کرده شد.

« يك غندك طوپ صحرا همچنانکشی تمام در نزدیکی ده (اولچیو) اخذ و وضع
کرده بر غندك طوپ روس که بر آن جهت آتش میگردید آتش کشاد. ده (اولچیو)
به تأثیر آتش دشمن آتش گرفته بود. آتش در خانه عایشه که اسماء غندك طوپ در آن
بسته شده بود سرایت کرده حیوانات بچاره بعد از کربن. در گذرون آغاز
نهادند. اکنون در چنان زمان بحران محاربه کسی بحال آنها نپرداخت. آتش حیوا
تهای بچاره را کور کرده. یالها و دمهای آنها را سوختاند. وجود های شانرا
کباب ساخت.

« در شب چون حریق و آخاموش گردید اسبها بلرزه جاگزدن بود. در
مرکز خرمین غلطیده که بر تلافات، اینها يك کتله یگانه ذی حیات و خون
الودی تشکیک کرده بود.

« بوقت پیشین همه احتیاطهای لوی غند بحط آتش سوق کرده شده بود ولی
ضایعات اقدر بسیار بود که قوماندان لوی غند مجبور شد که به تلگراف از جنرال
(اوقو) امداد طلبید. حال آنکه قوه احتیاط برای جنرال (اوقو) نمانده بود.
لیندا از لوی غند (۳) وم معاونت رجاء بود. لوی غند (۳) وم هماندم امداد فرستاد.

« این لوی غند (۳) وم که قوه احتیاطیه مار و شال (اویاما) را تشکیل میداد بوقت فجر (۶) م مارچ بموضع محاربه رسید. ولی باز هم هر چه کوشش کردند يك مخطوه هم پیش رفته نتوانستند. در غند مشر مقتول شد. يك غند مشر سه دفعه زخمی شده بود و باز هم بروظیفه خود دوام میورزید.

« صحرا هائیه هاشیبه ها با مقتولین و مجروحین مستور شده بود. بوقت شام آتش مدا فمین یکقدری خفت پیدا کرده ژا پانها باز بيك هجوم نویدند آنه بر خاستند. اما مقاومت روسها باز کسب شدت کرده و مهاجمین را بضایعات کلیه دو چار کردند. لهذا از یاده برین بر هجوم اصرار کردن کار عاقل نبود. از آنرو قوماندان هجوم را تعطیل کرده منتظر شب ماندند.

« مفرزه که برای هجوم شب تخصیص کرده شده بود عبارت بود از سه کندیک پیاده کلاه دستکی دار، و يك تولی استحکام که باهشت هاوان چوبی مجهز بود. این قوت بر (پانزستون) هجوم میکرد. و يك قطعه دیگر که از (۴۰۰) پیاده و يك تولی استحکام مرکب بود بمقابل (فانکیا تین) نمایش اجرا میکرد.

« قوماندان لوی غند در اطراف يك آتشی که در تولى غند افروخته شده بودنشسته در خصوص اینکه کر ابرین مفرزه نمایش قوماندان کنند در تفکر و ملاحظه بود. زیرا همه قوماندانهای غند مقتول و یا مجروح شده بود. یا در حرب قوماندان کفتان (قویاما) قوماندان شدن خود را استرحام نمود. جنرال نیز موافقت کرد. جنرال لوی غند در امری که برای هجوم بمسکر میداد این کله ها موجود بود:

« این يك را هیچگاه از خاطر نبرارید که برای سلامت تولى غند (میقادو)

بهمه حال ضبط کردن این قصبه ها الزم است.»

« عسکرها در يك سكوت عميقة به پيش روی آغاز نهادند . هنوز بقدر (۸۰۰) تره نه پیچوده بودند که قراولهای پيش دشمن بر آنها فیر کردند . ژاپاها هیچ جواب نداده به پيش روی دوام داشتند درینوقت از خندقهای دشمن سیلاب کله بر آنها باریدن گرفت اما ژاپاها بضایعات خودشان ندیده یکسر پيش میرفتند . تا آنکه تولى استحکام خود را بسپرهار سائیده کله های دستکی خود را برتاب کردند ، و در میان مدافعین يك هرج و مرجی برپا نمودند . ولی در آن واحدر و سهها از خود را جمع کرد بچنان شدت آتش کردند که قوه کافیه هجوم برای ژاپاها باقی مانده در زیر باران آتش کله جابجا ماندند .

« گفتگان (قویا ما) وقتی که به تول عنده عودت کرد از (۴۰۰) نفر (۲۱) نفر با او بود ، و در آشنایی که قوماندان لوی از و معلومات می رسید ، دقیقه يك جنبشی خورده بی اختیار راه بر زمین افتاد ، مگر با کله تفنگ در ران خود زخمی بود .

« قوای عسکریه که بر هجوم (یا نزیستون) مأمور بودند بساعت چار و نیم صبح ب حرکت مهاجمه بودند ، غنچه مشر (چوغاوا) بسبی که همه افسران تلف و مجروح شده بودند بر سه گفتان باقی مانده امر نمود که تا به هجوم سر نیزه نرسند هیچ آتش نکنند . لهذا ژاپاها بضایعات و تلفات خود اهمیت نداده به پيش رفتاری خود دوام میداشتند . و يك چند نفر به نزدیک خندق رسیده بودند که همه مقتول افتادند . و همادهم یکچند نفر رو به از خندقها برآمده بجز و حین مذکور را بخندق کشیده بردند .

« درین اثنا دفعه روسها آتش خود را مستطاع کرده در هر طرف درین صحرای بی پایان يك سکوت عمیقی برپا کردند ، گو یایک حدای هاتف غیبی آمده هر دو طرف را به تسلیم سلاح امر نمود ، »

اضمه محلال تول غند روس در (۱۰) هم مارج آغاز نهاد . درین روز یک
گرد باد مدیجش طوفان ریگ دروزیدن بود . این باد از جنوب بسوی شمال
میوزید که به این سبب تول غند های (نوزو) و (قوروی کی) و (قاورنا
مورا) را که در عقب تول غند روس از نهر (هون) میگذشتند از نظر دشمن
ستر و وقایه میکرد .

این مر سه تول غند ژاپن ؛ بر تول غند ، مضه محل شد و روس که
استظام خود را فاتب کرده ، ویگانه چاره نجات و سلامت خود را در قرار کردن
بسوی شمال یافته بود از هر طرف هجوم میبردند .

در پشت ، وضع مقارمتگاه ضربتی روس تهلکه مدعش احاطه موجود بود ،
و در تمام تول غند یک تلاش و حشیانه فرار عمومی حکمفرما شده بود . اما
عسکرهای شجاع دمدار روس ، محوشدن هر گونه امیدهای ظفر ندیده برای
رهایی دادن تول غند مغلوب خود بقدا کارئی تمامی کوشش میوزیدند . محاربه
هنوز سراسر ختام پذیر نشده بود بلکه تجزی و انقسام یافته بود .

لوی غند سوم که به امداد لوی غند هشتم تول غند (اوقو) در پیشگاه (یازیتون)
بمحاربه های مد هسه که پیش ازین مذکور گردیده آمده بود باز جود تلفات زانده
روسها را مغلوب ساخته ، و دو غندک طرف شان را ضبط کرد ، و با همان طوب
های خود شان قافله های مدید روس را که بیک حال پریشانی بسوی (تیه لیغ)
رجعت داشتند کوبیدن گرفتند .

یک غبرک غند روس بر مناره بلند معبد (په لین) که جنرال (قورویاتسکین)
از آنجا صفحه آخرین محاربه را تماشا کرده بود یک بیرق سفید تسلیم را برافرا
شته بودند . و چون غند ژاپنها را که به انسو پیش می آمدند کم دیدند همانند
بیرق علامت تسلیم را فرو آورده به آتش آغاز کردند ، ولی بعد از کمی فرار

مجبور شده بقدر دو صد نفر، قتل هم گذاشتند .

تول غند های (نوژی) و «نوزو» و «قوروی» و «قاو اورا» بحركات عقب گیری دوام داشتند . تنهاتول غند «اوقو» خیلی بی تاب و بی توان مانده بود . مع هذا از میان خندقها و کشتزارها تیکه تیکه ها و جسد های هزارها انسان و لاشه های حیوانات بارکش ، و شکسته گیها و پاره پاره شده گیهای طوب ها و قونداقها و مستور بود تول غند «اوقو» بسوی شهر «موکدهن» در پیش شدن بود . عسکرهای این اردو غزلهای خطر را میسر کردند . ولی باز هم در چشم های شان آثار حزن و تأثر مشهور بود . چونکه وقتیکه طرم جمع شان نواخته میشد «۲۲۰۰۰» نفر ازرقای تول غند خود شان را کم می یافتند .

لوی غند «۶» م تول غند جنرال «نوزو» و «۶» هم مارچ در شمال شرقی شهر (موکدهن) (۱۳) قطعه طوب دشمن را ضبط نمود که این طوبها به تول غند نخستین روس عائد بودند . بعد از آن لوی غند مذکور زیاد . در سوی شمال رفته موضعهای (اورتایچی — پولینو) را ضبط کردند . بساعت (۴) جبهه لوی غند مذکور بخط (سیلاووتون) و (پولینو) متوجه شده بود .

نام درین ایستاد که قطعاتی قرمندر روس از شهر (موکدهن) به برآمدن آغاز شده بود . اینها عسکرهای جنرال (هاندلر) بود . لوی غند ژاپان روی خود را بجان اینها پس گردانیده و وسایرا در زیر آتش طوب و تفنگ خود گرفتند ، و یک حال فلاکت اشتمال برینانی بر آنها آوردند . درینجا ضایعات روس به (۵۰۰۰) رسید ، و بدست ژاپنها (۱۷۰۰۰) اسیرانند .

لوی غند احتیاط فیزباین لوی غند جمع آمده باقطعات لوی غند (۱۰) هم که روسها از میان آنها زور کرده میبرادند مساوت نمودند . و در شمال شرقی (موکدهن) در پیش قبرستان امپراطورهای (مانچوری) «۱۵۰۰» صراجه

های نقلیه روس را بدست آوردند . و دمدار هائیکه این صراپه هاراشقیب
میکردند در مقابل تعرض لوی غند (۶) م ژاپان بسوی شمال و غرب از هم
جدا شده پریشان شدند .

لوی (۱۰) هم بعد ازین یکسر بر استقامت شمالی بر رفتار پیش روی خود
دوام ورزید . اما بسبب کوسار بودن اراضی کم مسافه قطع کرده توانسته ،
و بوقت پیشین به (سیند یغوا) موصلت کرده اند . بعد از عصر لوی غند
مذکور خبر عقب کشیدن دشمن را از جوار (طاوا) و (سیانور) گرفته هماندم
حرکت ، و به آنجا ها موصلت نمود . و در مابین جاده ماندارین و راه آهن
قولهای پس رونده روس را بزرگ آتش شدید طوپچی گرفتند .

تول غند های (۲) و (۳) و (چازم) ژاپان در وادی (خونهور) هیچ يك
قطعه روس را نگذاشتند . و در تاریخ دهم و یازدهم مارچ قطعات روس که
در جوار (موکدن) ابر شده اند تقریباً (۱۵۰۰۰) آدم ، و (۵۸)
قطعه طوپ بود .

قوای اصلیه جبهه غرب روس با طوپچی و نقلیه خود از صبح (۱۰)
هم مارچ بصورت پریشانی و ابتری بر استقامت (تیه لینگ) رجعت میگردد .
طوپچی ژاپان که در جهت جنوبی استاسیون (موزیتای) اخذ موقع کرده
بود این قول فراری را بزرگ آتش بیرحمانه گرفته همه ارتش و انتظام آنرا
محو مینمود ، و آن به آن تول غند روس را بیک حال دلسوزانه میدر آورد .
نام درین اثنا بود که دو صد سوار (طوانغوز) هائیکه جهت بغل تول غند
روس ظهور یافته بر عسکرهای پریشان شده روس با حمله آور شدند . روسها
در همه صفحات يك هزمت و فرار حقیقی را تصویر کرده در هم ویر هم شدند .
لوی غند خاصه تول غند نخستین ژاپان صبح بساعت (۸) و نیم از جوار

کیوزان برخاسته بر خط (پوهو — سیانوا) به پیش روی، آغاز نهاد . و بسبب صعب‌المرور بودن اراضی ، و مقاومت و تعداد دمدارهای طول غند نخستین روس حرکت لوی غند مذکور آهسته آهسته ترقی میکرد . و تا بشام بمخط (سین تون — پوهو) داخل شده توانست . قول تول غند (۶) م سیریا ایستاد بوقت عصر همانروز تخلیه کرده بود . غبرک غند خاصه (۲) وم بعد از پیشین بساعت (۶) بمخط (پوهو — سیانوا) رسید و خرمتهای پراکنده دشمن را که بحال رجعت بودند بزیر آتش طوپچی گرفت ، غبرک غند سواری خاصه بسیاری از عرابه های نقلیه دشمن را اغتنام میکردند .

مخاربه میدان (موکده ن) با تاریخ (۱۰) هم ماه مارچ به انجام رسید . در روز (۱۱) م در جنوب (پوهو) مقرزه های بسیار روس بدست ژاپانها افتاد ، که به اینصورت لوی غند خاصه در حوالی (سیانوا) (۳۳۰۰۰) ایستاد بچنگ آورده بود .

عقب گیری عساکر فراری روس در (۱۱) هم مارچ بعهد تول غند (۵) م ولوی غند های (۲) وم و (۱۲) هم تول غند نخستین ، و تول غند (۳) وم محول گردید . لوی غند خاصه ، و تول غند (۲) وم ، و (۴) م در موضعهای که در وقت شام (۱۰) هم مارچ واصل شده بودند بنامند .

نظریه بیانات از کان حربیه روس ضایعات مجموعه روس درین مخاربه میدان (موکده ن) مجروح و مقتول و اسیر عبارت از (۹۶۵۰۰) آدم است که مقدار (۲۴۵۷) آن افسر ، و تقریباً (۵۳۰۰۰) آن اسیر است . ضایعات مجموعه ژاپانها از افسر و نفر مجروح و مقتول عبارت از (۴۱۰۰۰) آدم میباشد .

جمع ضایعات طرفین عبارت از (۱۳۷۰۰۰) انسان است که اگر انسانیهای

صلح پرور از دهشت اینچنین يك جمع مهم بلرزه در افتاده قلمهای تهریزات
لواح طرفدارئی (صلح عمومی) شان از دستهای شان بیفتد جا دارد .

جنرال نوژی چرا بر حرکت احاطه خود موفق نیامد؟ و همه ؟

تول غند روس را اسیر ویا تسایم نتوانست ؟

در باب حرکات تول غند (۳) وم ژانیه در زیر سر افسرئی فایح (پوز آر
تور) جنرال (نوژی) بود، و در محاربه میدان (موکده ن) وظیفه مهمه
حرکت احاطه را بجمعی آورد . در خصوص عدم موفقیتش بر احاطه کردن
روسها را بتمهها و یا محو کردن آنها، این بیانات ذیل را مطالعه کردن از
فایده خالی نیست :

تول غند (نوژی) در میان سرپایج تول غند ژانیه قوتمندترین آنها بود ،
و مرکب از (۹۰،۰۰۰) آدم بود . جنرال (نوژی) از موضع خود که در مابین تور
(هون) و (ایاعو) بودند (۱۷۷) نفر و نیروی بحرکت آقارم ده بود .

روسها درین حوالی ده (سوفتای) را تسایم کرده جناح راست خود شان
را بر این سمت رانده بودند . روسها در (سوفتای) (۱۰) طرف و یک قوه
محافظة قوتمندتر گذاشته بودند . خبر تسایم سرارئی جنرال (میچچاقور) را نیز
در نتیجه تعیین کرده بودند . آن شوق (میچچاقور) در جود نبود . ژنرال غنوز در
خفته مخانه بود .

زایا آنها برای آنکه روسها را احاطه کرده باز محاربه بر جعت مجبور گردانند
از همه بیشتر رفتار جناح چپ خود شان را تسایم کردند .
بعد از آنکه با قازاقها یکپسند مصادف کردند در (۱) م - رچ بر (سوفتای)
هجوم بردند . تمام آن روز روسها با قوه طوب چپئی خود خود شان را محافظه

و مدافعه کردند . هم بیک صورتیکه همه افسران یک غنندک طوپ ژاپانرا بقتل رسانیدند . امروز بر سینته غنندمشر (اوشیدا) که قوماندان لوی غنند طوپ چی بود یک کله شرانپل روس اصابت کرده در آن واحد در پیش چشم افراد طوپ چینی اوبی نام و نشان گردید . اما در شب قوه محاذظه روس که خطر رجعت شانرا جنرال (نوژی) در زیر تهدید در آورد بر رجعت مجبور شدند . در عین همین روز یک مفرزه سوارتی تول غنند (نوژی) به (سین مین تین) و اصلشد که به این حساب از نقطه عزیمت تام (۶۰) کیلومتره مسافه پیوده بودند .

در (۲) م مارچ تول غنند (نوژی) از (موکدهن) (۲۰) کیلومتره بجهت ضرب آمده بود . به اینصورت جناح راست تول غنند مخاربه کرده کرده (۴۵) کیلومتره و جناح چپ تول غنند (۶۰) کیلومتره مسافه قطع کرده بودند . درینوقت جبهه تول غنند از شمال بسوی جنوب دور خورد .

قطعات روس که از (سوفاستای) بر آورده شده بودند به آتش شدید طوپ چینی تول غنند (۲) و م جنرال (اوقو) که در انوقت (چانستان) را ضبط کرده و بحرکت عقب گیری شد تناکی افتاده بود گرفتار آمد . سر ازین وقت تول غنند های (اوقو) و (نوژی) در محراب منتشر شدند . در اینطرف و آنطرف مصادمه های کوچک کوچک بوقوع می آمد . درین انباشتارهای لوی غنند (۹) م بهجوم ناگهانی یک قطعه روس دو چار آمدند بیک صورتی که طوپچیهای پیشدارهای مذکور به استعمال کردن طوپهای خود شان وقت نیافته بهر چیزیکه بدست شان آمد خودشانرا مدافعه کردند . ولی بعد از کمی قوه امدادیه آمده بر رفتار خود دوام ورزیدند .

عسکرهای ژاپان (جینی ؛ جینی ؛) گفته به پیش میرفتند . جینی — یعنی (باز بچه) . این کله بزبان عسکرها ازین سبب افتاده بود که جنرال (اوشیدا)

که در (پور آرتور) استحکام مد هشت (اورلویغ شافع) را ضبط کرده بود ، چون در ینبار بر (سوفانسی) هجوم میبرد گفت : « این چیست ؟ جینی ! » . لهذا از انوقت عسکرها اینجار به راجینی — یعنی بازینچه خطاب داده بودند . اما رفته رفته این محاربه از جینی گری برآمده یک حال دهشت آشتالی را پیدا کرده . زیرا جنرال (قورویانکین) چون درینطرف تهداۃ عظیم محو شدن تول غند خود را میدید همه اهمیت وقوت و مهارت عسگری خود را همین طرف صرف میکرد .

در (۲) م مارچ بوقت صبح یک لوی غند ، کمل روس از (موکدهن) تازه دم رسیده از سه جای بر سر کز تول غند (نوژی) هجوم نمود . ولی چون جناح راست و ایانها از بغل بر دشمن تهدید و صولات اجرا کرد بعد از یک محاربه شدید و کوتا هی روسهارا بمقب کشیدن مجبور ساختند . درین زد و خورد (۴۰۰) نفر تلفیات از ژا پانها بوقوع آمد . اما به (موکدهن) هم (۱۷) کیلومتره نزدیک شده بود .

تابه اینوقت هر چیزی بر وجه مطلوب جریان یافته بود . و چنان معلوم میشد که پلان حرکت منتج موفقیت شود . هر افراد بر مظفریت خود قایل بودند روز (۴) م مارچ همه این خیالهای شیرین و رنگین را تار و مار میکرد . زیرا در حالتیکه جنرال (نوژی) کمان میکرد که بر جناح راست روسها پنجر و تا کمان هجوم ببرد ، دید که دشمن برای محافظه خود ازین ضربه تا کمانی تدابیر لازمه اتخاذ کرده است .

فی الواقع (نوژی) بیک موضع مدافعه بسیار مستحکم و مکمل تصادف کرد بوده که به اینصورت حرکت احاطه دو چار توقف گردیده . جنرال (نوژی) به امیدان بود که در خارج میدان محاربه حرکت خواهد کرد حال آنکه در مقابل مواضع مستحکمه دشمن بمحاربه کردن مجبور آمد . تول غند (نوژی) عیناً بو

ضعیفی - تول غند (ارقو) در پیش سد شمند و فر تصادف کرده بود بهمان وضعیت سر دوچار شد. و بر تمام خط حرب بایک چسارت تا امیدانه بمحاربه آغاز نهاد. همه در این حده الی بود نیز خیلی مستحکم شده بود.

شمند و فر یک صد کیلو متر دورتر از نجا بود. دیر کهای تلگراف که آن صحرای بی پایانی سر تا سر قطع نموده بود عیا آمتش آمد. میشد اینست که به آنجا و اصل شدن هان. شمند و مظهریت را در غوش کردن هان!

پلی: اگر و آسن عقب (موکدهن) را گرفتن ممکن شود ژاپنها همه تول غند (قره پتکین) را نسیر میتوانند کرده. اما هزار افسوس که در پیش روی این مقدسیت شد بسیار هابلی واقع گردید.

بالا بود دیگر اینکه از دیگر تول غند های خود جدا شدن، و طرق مواصل خود را به شهر که در روش ساختن، و به اینصورت تا بسوی شمال و نهایت موضعهای روس رفتن را در صورت امکان را اجرا کردن نیز غیر ممکن مینمود. و الحاصل شد هد دلاوری مظهریت یکچند متره به انطرف جلوه گری میکرد، اما دست امید از دهن رسالتش کوتاهی مینمود.

تلاشهای بسیار از طرف روسها که به موکدهن رفت و آمد داشت دیده میشد. این قطارها در زیر نگاههای آتش طوپ ژاپان رفت و آمد داشتند.

در سر راه و شهر نصیبه جدا جدا محاربه ها بوقوع میامد. طوپچیهای ژاپان برای آنکه زیاده تر تأثیر حاصل کنند بموضعهای روس نزدیک شده میرفتند.

تا بجز این نسبت آنپهای طرف طوپچی خود شان را ضایع کرده میرفتند. حتی بعضی سوپ خانه ها تا به (۶۰۰) متره مسافت نیز فقط حرب نخستین پیاده دشمن زدند و بودند. شیخ صبر کردن جایز نبود، هر چیز را فدا کردن لازم میامد.

مؤثرترین مارج آمده در هر طرف سیلابه های خونین جریان داشت. تول غند

(نوژی) شب و روز بلافاصله بر دشمن خود در میانداختند. و صولتهای هر بر آنه اجرا میکردند. و برای يك قدم بیشتر رفتن، و يك كمكى فايده برداشتن خودشان را در هر دم و هر لحظه بوجاهه اقدام میکردند. حال آنكه على الدوام قوتهای نوژی به آمدن دروسها میآمد. در (ماکیاچو) ناميك دهی طوپیچئی زایان همه افسران خود را ضایع نموده تنها از طرف يك چاووش قومآنده و اداره میشد. در شب (۸) م مارچ يك مقرزه سوارئی برای بر هوا کردن خط راه آهن روس تثبیت کردند. این مقرزه نعلهای اسپهای خود را کنده بودند. از انسیب قواولهای روس به پاسیابی راه آهن را میگرداند خیردار نشدند. لهذا یخبر همه آنها را از تیغ کشیدند، و بطول (۷۰) متر راه آهن را با (۱۰۰) متره سیم تلگراف بر هوا کردند. اما در ظرف (۸) ساعت دروسها با این خسارات را تعمیر کرده شمتدو فریاد و شد آغاز نهاد.

درین اثنا تول غندروس از جهت جبهه، و شرقی بر جهت آغاز نهاده بودند. ولی اینطور فراحظه بلحظه تقویت میدادند. مقاتله بعین شدت دوام دیورزی بود. و چون تول غند نوژی خیر میدادند روسها رجعت میکنند و ایشان بر بریدن خط رجعت آنها را و اسیر ساختن جمله شان کامیاب نمیشوند از قهر و غضب بسیار بد رجعتهور آمده خود شمارائی محاباطعمه آتش دشمن میکردند. قهرمانهای معتبر و معروف (پور آر نور) اسروز مقتول شدند.

روز (۹) م مارچ بر (به لین) هجوم بردند. و درین هجوم يك غندوایان یکجا مقتول گردید. و قتیکه آن طوفان گردباديك برخواست محاربه شدت خود را زیاده ترافزود. برای طوپیخانه ها هیچ آسیب باقی نمانده بود. بسبب طوفان زیگی (۱۰) متره بیشتر دیده میشد.

روسها بقوت يك قول تول غندبريك غیرك غندوایان هجوم مقابل اجرا نمودند.

و غیرک غند مذکور را بحال پریشانی بر جمت مجبور نمودند. این هرج و مرج الحقی که نمونه یک شور و ستاخیزی بود. اسرهای قوماندانها بجای نرسید. چو بان احوال بخوبی معلوم نمیشد. در بعضی نقطه ها ژاپنها سر اسر بخاربه را باخته بودند. اردوگاه جنرال (نوژی) یادانه های طور پیل دشمن آتش گرفته بتأثیر باد در آن واحد بقریه های اطراف آتش سرایت نمود. گردباد ریگ، با شراره و شعله های آتش، و دود های کشیف مترج شده يك نمونه حقیقی دوزخ را تشکیل داده بود. در چنین حال جهنم مثل که عا کر ژاپان برهائی جان از آتش بی امان افتاده بودند يك لوی غند، که در روس مجرم ناکهائی خونریزانه بر لوی غند جناح چپ اجرا کردند. این لوی غند بيك طوفان مدعشی که از انسان، و آتش و خاک مرکب بود گرفتار آمده بود. مقاتله های خونریزانه و حشیانه سر نیز و خنجر و کله های دستی و مشت و دندان بوقوع آمد.

جناح چپ لوی غند (نوژی) بدرجه مهزوم شدن رسیده بود. يك غیرک غند که در زیر قوماندان جنرال (قاوامورا) بود تقریباً همه موجود خود را غایب کرده بود. جنرال (آیدا) این تلگرافنامه مختصر قطعی را بجنرال (نوژی) کشید:

« به تهلکه محو و مهزوم شدن معرض میباشم. هیچ عسکر برایم نماند. نا بچهار ساعت دیگر مقاومت کرده خواهم توانست.»

بنابرین لوی غند (۹) م هاندم از مرکز بطرف جناح چپ، و لوی غند (۱۱) م برای بر کردن جا خالی لوی غند (۹) م بحرکت افتاده. این لوی غند وقتیکه بحرکت آغاز نهاد عسکرها از مدت (۲۲) ساعت هیچ چیزی نخورده بودند. اینست که عسکرهای لوی غند (۹) م در میان اینچنین هرج و مرجی که همه وحشت طبیعت، و جمله وحشت بشریت با هم دست افتاق داده اجرای احکام مینمود بخاک کرسنه کی و پینابی که تصور از آن دهشت میکنند برای پیمایی دوام

صفحه ۲۹۱ جنرال نوژی چرا بر حرکت احاطه خود موفق نیامد؟ جلد چهارم

میور زیدند .

در (۱۰) هم مارچ در حالتیکه در جهت جنوب محاربه سر اسر منقطع شده بوده و روسها بحال رجعت مهزمانه افتاده بود درین حوالی احوال جالبجاد و ام میور زیدند شهر (موکدهن) از طرف تول غنجد (اوقو) استیلا گردید . در ساعت (۶) شب تول غنجد (نوژی) بیک صوت آخرین جانفشانانه روسها را دفع کرده ، و بخط شخند و فر رسیدند . اما خیلی ناوقت بود ، و کار از کار گذشته بود زیرا قسم کلشی روس بسوی شمال فرار کرد . رفته بود . در وقت صبح (۱۱) هم مارچ تول غنجد جناح چپ با تول غنجد جناح راست یکجا شد ، یعنی بعد از آنکه تول غنجد روس از دایرة احاطه شدن بر تول غنجد (۳) و م ژایان حرکت مهم احاطه را امکانستوانست ، و بجای تصور اسیر کردن (۳۰۰،۰۰۰) آدم تنها (۳۰،۰۰۰) آدم را اسیر نمود . ولی اینهم انکار نمیشود که سبب یگانگی استعجال فرار و هزیمت تول غنجد روس باز هم همین حرکت احاطه جنرال (نوژی) گردید ، ولی چه سود که تصور محو کردن انرا بصورت قطعی همان مواعیات مذکور از قوه بفعول آورده نشوانست .

در روز (۱۰) هم مارچ بوقت سحر جنرال (اوقو) در شهر شهیر (موکدهن) مظفرآ داخل میشد .

در اثنایکه از سطح منجمده نهر (هون) قطعات خود را تعقیب کرده می گذشت ، بسوی کتله های نعلشهای که سطح بیضای منجمده نهر را بیک رنگ خونبایی رنگین ساخته بود بصورت بسیار محزونانه و متأسفانه عطف نظر نمود که اینها آخرترین فداکاران این محاربه خونریزانه بودند .

جنرال اسر (دور) یعنی (د. یتر) را بداد ، و از اسب خود فرو آمده . دیگر افسران معیت او نیز ساکتانه بجنرال خود پیروئی حرکت نمودند . بعد از آن

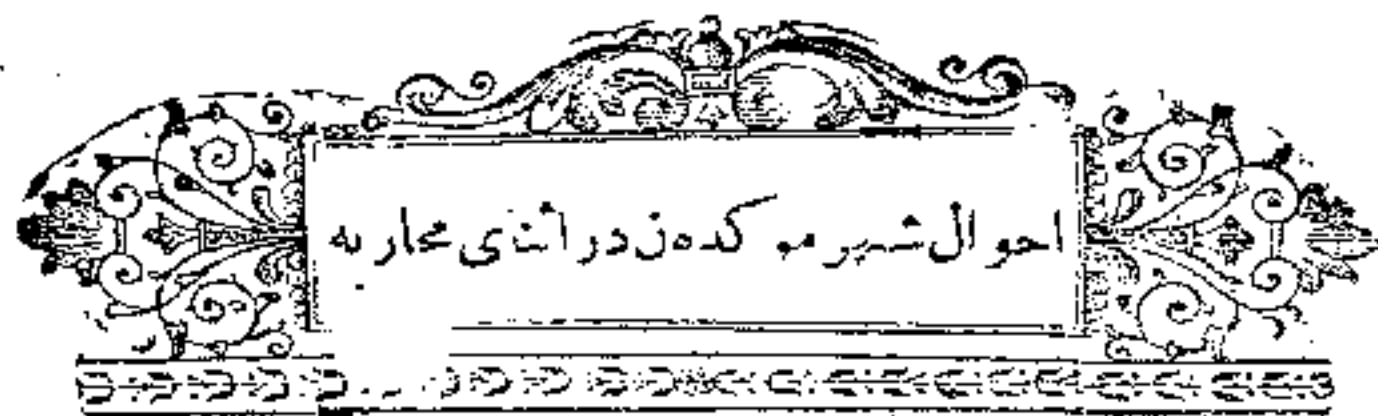
جنرال نکمال حرمت و انگسار کلاه خود را کشیده و به این کثله جسد های خون آلود توجه کرده گفت :

« دشمن مغلوب کرده شد، بغداد کارائی شما مدیون شکر انیم، چونکه این مظاهر یت را بسایه همت شما بدست آوردیم، بر خورد در شوید . . »
دیگر افسران نیز کلاه های خود را کشیده بودند، و کلاه (بر خورد در شوید) و اتکرار میکردند، نفرها بعد از آنکه جمله راسعه احترام را بجا آوردند باز اس (مارش) یعنی (ز او) داده شده را افتادند .

عسکرها در هر چند قدم که میرفتند بسوی مقتولان بر میگشتند و کلاه (بر خورد در شوید) را تکرار میکردند .

در میان زنده ها و مرده ها، یعنی مابین اسر و زودیر و زیکارتیاط و مناسبت اسرار آلود، و خو فناك، و باوجود اتم لطیف و شیرینی موجود بود هر نفر که بر سر این زمینها شیکه به خونیهای هزاران رفقای خود ضبط کرده آمد چون قدم میزدند، پینداشتند که صداهای وقار و راداران فانی شده خود را میشنیدند، و چنان گمان میکردند که در عالم ارواح ما آنها حسابحال میکنند، و از آنرو مردم بسوی آنها توجه کرده کلاه (بر خورد در شوید) را تکرار میکردند .





در روزهای آخرین محاربه و روسها در شهر (مود کدهن) يك زنده گائی بسیار با صفای پر عیش و نوشی گذرانیده اند. در اثنای این محاربه هر گاه در شهر (مود کدهن) يك نظری عطف میشد، انبجار يك نشاط گاه با ذوق و سروری می یافت. و چنان پنداشتی که برای بازار کبادئی يك مظفریت شعبه داری جشنها و شهر آئینها اجرا میشد! در حالتیکه در چار اطراف شهر (مود کدهن) مدتها ترین محاربه های این عصر اخیر و لوله انداز حیرت عالیان میشد، در میان این شهر بزرگی که مقر اداره مملکت (مانچوری)، و مقبره نیاکن امپراطورهای چین، و بنا سه قانه دیوارهای متین محاط است هیچ کسی نمیدانست که در خارج چه هست و چه باشد! بلکه بدانستن و آگاه شدن ان روسها خود را مجبور و محتاج هم نمیدیدند در چنین محاربه مدتها که بقدر (۸۰۰،۰۰۰) آدم با يك جدال و قتال و حشیانه یکدیگر خودشان را در خارج مود کدهن محو و فنا میکردند شهر (مود کدهن) يك استراحت و سکونت بی پایانی مستغرق دیده میشد، تنها در باب مظفریت های عظیم روس حوادثی بهم می بهم می شیع می یافت.

در (۷) م مارچ يك قول سوارئی قازاق که از پنجاه نفر مرکب بوده و نفر اسیر های ژاپانی را دست بسته در پیش روی خودشان انداخته در چار اطراف شهر گردانیدند، قازاقها این دو نفر اسیر بچاره را مانند حیوانات وحشیه در کوچه های شهر شهیر میکردند، و به چینیان نشان میدادند، اینها تر ازین دلیل

مظفریت چه باشد ؟

در شب بعضی حوادث ناگواری در شهر شایع شده يك هيئتى از ارباب تجارت شهر (موکدهن) در نزد معاون مدير پوليس کفتان (ليپونوف) آمدند و در باب کیفیت حرب و خالی کردن و نکردن روسها (موکدهن) را استفسار کردند .
(ليپونوف) بجواب گفت :

« - بیغم و خاطر جمع باشید! موکدهن دایمادر دست روسها خواهد ماند . اردوی مادرینوقت به اجرا کردن يك حرکت مهمی مشغولست . این حرکت تازه : و روز دیگر با محو و پریشان شدن کلئی ژاپانها نتیجه پذیر خواهد شد ! »
این حرکت که معاون مدير پوليس گفته بود اغلب احتمال که حرکت رجعت روسها بود . ارباب تجارت از بخواب ممنون شدند . اما این ممنونیت شان از نفرت شان به ژاپانها نبود . بلکه بسبب آرامی و بیسه بدست آوردن ممنون شدند . ارباب تجارت اینشهر را مسکرات قرق کرده بودند . هر دکان چینی بيك ميخانه تحویل یافته بود . (موکدهن) برای عسکر روس از حال شهریت برآمده بحال يك ميخانه بزرگی تحویل یافته بود .

قطعات عسکریه روس که از يكطرف شهر درآمده از دیگر طرف شهر می برآمدند در اینجا خود را سرخوش و بدمست کرده میبرآمدند . این عسکرها مانده وساعت میآمدند ، و پر جوش و خروش شده میبرآمدند . از شهر سرور نمودن خود شان را ایند مکافات بسیار بزرگی برای خریدشان مینداشتند . این عسکرها بیسه های بسیاری که در مدت مدیدی میان استحکامها از تنخواه خود شان جمع آورده بودند همه را برای يك شیشه مسکرات صرف میکردند . و گمانیکه بیسه ندا شتند از اسلحه و تجهیزات خود شان يك چیزی بیفر و ختنند .
سوارپاشیکه با کمر بندها و لباسهای دراز فاخری از قافله سیامی آمدند در

کوچه های ملوت و متمفن محله قدیم شهر در آمده اسپ و یا کمر بند منین خودشانرا برای فروختن به چینیان پیش میگردند . چینیان به این تکلیف در اول امر جواب رده میدادند ، و به شدت با تک مخالفت میزدند ولی چون چار اطراف خود را دیده که کسی نیبود به آهسته گی رجا و نیاز آنها را اسعاف کرده تقابل یک چند پسته کمی گران بهارین اسباب های شانرا میخریدند .

عسکرها شیک اسباب هم نمیداشتند بدزدی و شقاوت جسارت میکردند . مثلاً یک شی بود که دو نفر قازاق در دکان یک تاجر فرانسوی در آمده تا که میتوانستند خوردند و نوشیدند ، و بعد از آنکه بدست شدند صاحب دکان اقبال تهدید کرده همه پسته که داشت طلب کردند . نام درین استاد و نفر افسر روسی از پیش دکان مذکور میگذاشت . فرانسویس به افسران مذکور خطاب کرده گفت : (به بینید عسکرهای شما صراغها میکنند .) افسران بقیقه خنده کرده در گذشتند . فرانسویس چون دید که کسی بدادش نمیرسد هماندم بدرون دکان خود برجهیده گفت : (باشید که پسته برای شما بیارم .) و از انجا با یک تفنگ دو میلتر کرده آمده و هر دوی شانرا بر خاک هلاک بینداخت ، و همه اشیای قیمتدار خود را برداشته به (سین مین تین) فرار نمود .

اینگونه احوال و وقوعات رفته رفته آنقدر بسیار شد که در ذین احوال عادی و طبیعی در آمد .

در بازار کبیر (موکده ن) که بهترین و محتشمترین جاده های دنیا شمرده میشود مأمورین بزرگ ، لکی و نظای روس در عرابه های مکلف و مطمئن چین سوار شده تماماً در سیر و گردش میبودند . در میان این عرابه ها بعضاً عرابه های مکلف نقره پوش ابریشمین اسباب (ماندارین) یعنی توانگران و اصیانزادگان چین نیز دیده میشد که تاجرهای بزرگ موکده ن با چهره های متبسم خود

دراز نشسته میزدند -

یک تنه خلاق سردوزان که از مردم مانچوری و روسی و عسکری و مملکی
ویکا و بکا سرک بودند در میان این ازدحام بمشکلات تمام حرکت میکردند،
و در پیش رو آنها میخانه ها شیک صداهای عیش و نوش و ساز و سرود روسها
از آن بجز عکس مکرر از دحام بیشتر خرمین میشد.

فدلهای محاط سوارانی بی شم در شهر گردش میکردند، و نیزه های دراز
قازقه ها، تاج ماهی برقه های منزرکش رنگارنگی که بر دکانها آویخته شده بود آنها را پار
میکرد. بسبب بیرقهای بسیاری که درین بازار آویخته شده روسها آنرا (جاده
بیرقدار) نام نهاده بودند.

علی الاثر قطارهای درازی که از طوپ، و جبه خانه متشکل بود بایک طرا
قه عظیمی از میان شهر میگذشتند. و عسکرهای گرد آلود رخ کبودی که همه
فجایع احوال مرگ از سپای شان پدیدار میکردند نیز با آنها میگذشت. آیا اینها
از کجا می آیند و بکجا میروند؟ هیچکس اینرا نمیرسید. زیرا این پسران و خلیفه
هیچ کسی نبود.

همه حیات و فعالیت شهر در همین جاده تکاثف کرده بود. و هر آنقدر که
صداهای طوپهای جنگ و جدال نزدیکتر میشد، و خانه های شهر از غرش طوپ
های جنگ بلرز می درآمد این عیش و عشرت بهمان نسبت افزونی و تزیید میکرد.
هر کس این را حس میکرد که یک مصیبت بسیار خوفناکی زفته زفته نزدیک
میشود، اما برای آنکه این مصیبت بخاطر نیاید، و از حواس فراموش شود بندوق
و صفای عیش و عشرت سعی و آنهاک و رزیده میشد.

هر چیزی ناقابل تصویر گرانی پیدا کرده بود. بازارها در میان یک حال
محرر نمونی مانده بود. طلا و نقره از چپهای عسکر و افسر برآمده در کیسه

های شراب فروشان، و فرشهای قاحشه کان همی غلطید، و هر آنقدر که
 هنر آنها در جمعیتها زیاد تر میشد این عیش و نوش هم زیاد مینمود.
 در شبها افسران روس با هم شیرها یعنی قاحشه های که داوطلب بخدمت
 پرستاری هیئت صلیب احمر داخل شده و صفت رابعه گوی را گرفته بودند دست
 بدست انداخته و سرخوش و مست شده بی پروا مانند حیوانات چارپایه گوی
 و بزرن بکار و گردش مشغول بودند. و این حال را خیلی طبیعی و معقول میدانستند
 زیرا برای يك تول غنچه که شان و شرف مظهریت در آن ممنوع و جائز نیست،
 دیگر همه چیز برای آن آزاد و جایز شمرده میشود.

در هنگامیکه خبر سقوط (پور آرتور) بمسکرو روس رسیده بود در بعضی
 قریه هائیکه قراولهای پیش تول غنچه روس در آن موجود بود جشنها و
 شهر آیینها ترتیب شده بود. همه افراد و افسران باده نوشی و قفس میگرداند.
 رقاصه های شان همشیره های صلیب احمر بودند، و لوله و مانده گشتی این عیش
 و عشرت در آخر جشن در میان اعمراق جا دای پنهان استحقاکها برای برادر
 ها و همشیره هایك سستی و رخاوت مخفی و ثقلت بخشی حاصل میکردند.

قراولهای ژاپن در میان سکوت و سکونت الم نگیز میدان محاربه این آواز
 های نشاط و سرور بجزو نانه عسا کرد روس و صداهای موزیکه ناترا میشنیدند



ضابطه یعنی کوتوالی شهر موکدهن بعد از آنکه دانست که محاربه بای داده
 شد در جمعیت آغاز نهاد که رحمت را بظلم و جنایت تنگ پر بست. اولاد ایره ضابطه
 یعنی محکمه کوتوالی خود را در يك واغون درجه اول نقل داده و اغلب احتمال
 که این نقل را برای تسهیلات فرار خود باجران نمود بعد از آن رئیس ضابطه غنچه مستر

(چارچوف) همه سوداگران معتبر و توانگران پرزده شهر را بحضور خود خواست . سوداگران و توانگران مذکور درحالی که سرهای شان برهنه ، و سرفرو بردة احترام برصفتة استا سیون شمندوفر استاده بودند ، غنمدشر (چارچوف) آنها را خطاب کرده گفت :

« هرگاه تا به بیست و چار ساعت از شهر نبرائید ، و شهر را مخالی نکنید شمايانرا بجزاهای سخت سختی مجازات خواهم کرد . »

تاجرهای بیچاره ازین سخن سراسیمه شده عجز و نیاز آغاز کردند و یک قدری بیشتر مهلت خواستند . زیرا درینقدر مدت کم چسان مالهای خود در افر و ختنه و جمع کرده خواهند توانست ؟ این امر برای آنها اعلان افلاس بود ، و هم یکدام طرف بروند . طریق یگانه فرار جاده (سین مین تین) بود که آنهم یک وقتی از طرف ژاپنها گرفته شده بود .

معاون مدیر پولیس کفتنان (لیونوف) تاجرها را یک یک چاره نجات تلقین نمود . و آن چاره نجات عبارت ازین بود که اگر هرکسی که مبلغ (۱۲۰۰۰۰) روبله برای او بیارد ، اما بشرطیکه یک پنسه آن کم نباشد آنوقت آنشخص را بر سلامت و امنیتش خاطر جمع خواهد ساخت .

پس هرکسی که مبلغ مذکور را آورده توانسته بود یکمال استراحت به تجارت خود مشغول بماند ، و هرکسیکه نیاورده بود بهر از کونه زجر دو مثل همان مبلغ را از او بگیرفت .



در وقت صبح (۹) ماه مارچ در شهر (موکدهن) کتله های عسکر از مخاربه برگشته افزونی میگرفت . تضییق و ازدحام بیکدرجه فوق التصور رسید . کرداب خاک بادی که از کوچه ها و بازارها از زیر قدمهای عسکر بر میخواست

تا بکمر قبه های معابد ، و دیوارهای بلند سه قاعه شهر بلند شده قبه ها و دیوارهای مذکور را بنظر چنان جلوه میداد که گویا در هوا معلق مانده است .
در ینوقت قوه ضابطه حکومت چین بحال فعالیت آمده و لباسهای سرابا سرخ خود شان را در بر کرده و مسلح شده برای محافظه مقابر و سرایهای امپرا طور های چین که در داخل دیوار سوم شهر موکده نسبت حاضر و آماده تقیدات شدند .

عسکرهای روس درین مقابر داخل شدن میخواستند . پاسبانان چین آنها را منع میکردند . ازین رهگذر در مابین شان منازعه و مجادله پیش می آمد . و سیلاب های خون جاری میشد .

امادر جاده (بیرق دار) هنوز همان حیات پر نوش و خروش دوام میورزید . افسران روس که از میدان محاربه فرار کرده ازین جاده میگذشتند بدکانهای دلاکتی اورویائی در آمده ، و چنانچه برای يك بالویی بروند اسباب توالی یعنی آرایش و پیرایش خود را اجرا میکردند . این افسران شیشه های متعدد لوانظر را بر کالا و کلاه حتی در میان موزه های خود ریخته ، و يك بانگنوط بیست روبله کی یاده روبله کی در پیش سر تراش انداخته بر راهیکه داشتند روان می شدند .

درین اثنایکی یکبار از دروازه جنوبی شهر يك قول سوارئی قازاقی چار نعله بتاخت آمده فریاد بر آورد که :

« ژاپانیان آمد ! ژاپانیان آمد ! »

بنابرین يك تلاش و هیجان عظیمی بر خواسته هر کس بيك وضع مجنونانه بگریختن آغاز نهادند . دريك آن همه بازارها خالی شد . در هر طرف دروازه ها و دکانها بشدت بسته شد . این یکچند دقیقه در میان يك خوف و دهشت

تلاش آوری گذشت . بعد از آن سر از نويك سكوت و سكوت تمامي حكومت ما
گردید . از قرار گاه عمومی تول غندروس که در استاسیون شمندو فر بود امر
ها آمده عسکرهای روس را که در جاده ها و بازارها پریشان بودند جمع آوردند ،
و آنها را از شهر کشیده شهر را خالی کردند .

سر ازین آن ، شهر (موکده ن) مانند يك محكوم مجرمی که به اعدام محکوم
شده باشد در میان يك اضطراب پر فشاری گرفتار آمده منتظر نتیجه عاقبت
احوال خود بماند .



استاسیون شمندو فر در جهت ضری شهر و بقدر دو نیم کیلومتره مسافه
واقمشده است . درین روزها در اینجا يك فعالیت و کار گذاری ، تعدادی موجود است .
قطعات - وزارتى اوامر بر . و اوامر آور به طرف در تکاپو ، و غندها ، و غندکها
در پی هم در گذر دیده میشود . قرار گرفته است عسکر به روس در اینجا تأسیس شده بود
در اطراف این استاسیون يك (موکده ن نو) روسها ساخته بودند که آنرا (مو
کده ن روسی) نام نهاده بودند . عمارت های جسیم ، بازارها ، و مگازه های
منظوم ، خسته خانه ها ، قصرها ، و بناهایی با جمله بطرز او رو پا ساخته شده بود .
در روزهای آخر مخاربه بقدر نصف تول غندروس در اینجا و جوار استاسیو
ن جمع آمده بودند . از اینجا برای مدافعه تول غند (نوژی) و (اوقو) بصورت
میان دیانه عسکر سوق میشد .

قرار گاه عمومی جنرال (قورویاتکین) نیز در همین استاسیون بود . جنرال
مذکور آخرین بار در (۸) م مارچ بوقت صبح در اینجا مشاهده شده بود . بعد از آن
ساعت ، براسپ خود سوار شده یکسر بر استقامت . بعد (به لین) بسوی شمال
تباعده کرده بود . در سپایش علائم تعب و تأثر مانند هر وقت پدیدار بود .

بر راه آهن هزارها واغونها و قطارهای ریل ایستاده بودند که اینها یعنی هم
 عسکرهای فراری را بسوی شمال کشیده میبردند. از تونل غند (نوژی) همین
 قطارها دیده میشد. بسی غندهایك تلاش خوفناکی پیاده بسوی شمال روان
 بودند بعضی فرقه هایه برارئی بخط راه آهن بسوی پایان میرفتند که اینها همان
 قطعات تازه می بود که بر تونل غندهای (نوژی) و (اوقو) حمله میبردند تا خط
 رجعت تونل غندروس را محافظه کنند.

در وقت صبح (۹) م مارچ قسم جنوب اردوگاه تنها و خالی مانده بود.
 از پانزده شب بر خط راه آهن حمله آورده بخط خرابی رسانده بودند، و از آن
 سبب بقدر هشت نه ساعت برای فرار سگته عارض شده بود. اما بعد از (۸) ساعت
 باز قطارهای غمند و فریفت و آمد آغاز نهادند.

قطارهای ریل آنقدر پر بار بودند که پرسر بامهای ریل نیز عسکرها با انفکهای
 سر نیزه دار خود نشسته بودند. ترنات غنلسرابی این عسکرها از واغونها و بام
 های قطارهای ریل تا بکش عسا کر ژاپان میرسید. آخرترین قطار و ریل بعد
 از پیشین بساعت (۴) موکدهن را ترک نمود. روسها برای سوختاندن شهر
 موکدهن نو خود از اول حاضرهای تیل ریختن و غیره را دیده بودند. بجهه دیکه
 ترن آخری حرکت کرد خدا بطة روس شهر را آتش دادند باد شدیدی که از
 طرف جنوب دروین بدن آمده بود حریق مدهش را لحظه بلحظه وسعت
 میداد. چونیهها، بازارها و الحاصل همه عمارات شهر یعنی همه به بسیار زودی
 طعمه آتش میشد.

عسکرهای روس که پس مانده بودند، و راه فرار نیافته بودند به یغما و غارت
 شهر آغاز نهادند. و از نتیجه یغما و غارت در مابین خودشان مجادله و مقاتله در
 گرفت. مگازه های شراب را شکستانده، و پیهای مسکرات را بسر نیزه شکافته

مانند خرسهای نشسته بر آن چرکاب مسکرات هجوم میبردند . و از نشئه آن سر
مست شده مانند گرگهای دیوانه از خود و بیگانه را فرقی نکرده انواع جنایت
ها اجرا میکردند .

درین اثنا حریق نیز رفته رفته اجرای شدت میکرد ، و اماکن و مبانای بی
همدیگر احراق بالنار میشد . سیمای انعکاس آتش حریق يك رنگ آتشینی پیدا
کرده بود . احوالات سیمای منظره يك فجر خونینی را نشان میداد . بلکه بر حال
اینگونه خونریزیهای وحشیانه نوع بنی بشر که خود شان را اشرفترین حیوان
نات میشمارند خون میگریست !

حوادث قرار کردن روسها ، و نهب و غارت باقیانند ، هادر اطراف منتشر
شد ، طرفه و زها و گروه سرسرفی چنینیهای گرسنه که در اطراف و نواحی
بودند نیز برای بی نصیب نیاندن بر شهر و هجوم آوردند ، و در میان لایبهای
آتش هر چیزیکه دستشان آمد از یغیالگری صرفه نکردند . و بريك معبدی
که روسها آن را گام گوشت خشك ساخته بودند و درینوقت يك طرف آن را
آتش گرفته بود به بوی گوشت مانند سگهای گرسنه هجوم بردند ، و گوشتها را
میپرداختند بنا بر آن تبه ، بعد غلظیده بسیاری از آنها را تلف نمود .

خوف و تلاش بختیخته خانه ناسرایت کرده ، بجز و حین و همشیره مادامی
کردند . و بعضی از آنها بیرقهای سفید برداشته برای تیار کردن زود آمدن
ژاپنها بطرف تول غدا ژاپان روان شدند .

فجره میداد . درینوقت عسکرهای روس که شب شب شراب نوشیده
بودند و از خود بیخود شده بودند بتاتر بخار بر عمد دیگر خود شان تفنگ میانداز
خفتند ، و گاه یکچند نفری در يك گوشه بسخو کرده بر چند نفر دیگر که در
دیگر گوشه بود ندبه پنهانی آتش میکردند ، و باز آنها بریشان هجوم می آوردند .

چنان پنداشتی که يك بازنی حرب اجرا میکردند .
 صبح بساعت ده قول نخستین سوارانی ژاپان داخل شهر گردید . این
 دو نفر سواری بود که به تول غنند جنرال (توزو) منسوب بود . این سوارها بعد
 از آنکه بهر استقامت نظر کردند یکسر بسوی شمال رفته از نظر پنهان شدند .
 در عقب آن پیشدارهای تول غنند (ع) ژاپان به آمدن آغاز نهاد . ساعت (۴)
 بود که همه تول غنند (توزو) از میان غلطیده گیها ، و سوخته گیهای شهر
 نوردوس مرور نمود .

ماره شال (اویاما) چون امر کرده بود که در داخل شهر محاربه نشود از
 نرو قطعات عسکریه از بیرون دیوارهای شهر میگذشتند . بر تول غنند (۲) و م
 (اوقو) امر شد که شهر را استیلا و امر انضباط آرا ایفا کنند . لهذا در همان
 روز بعضی قطعات (اوقو) در شهر (موکده ن) داخل شدند .

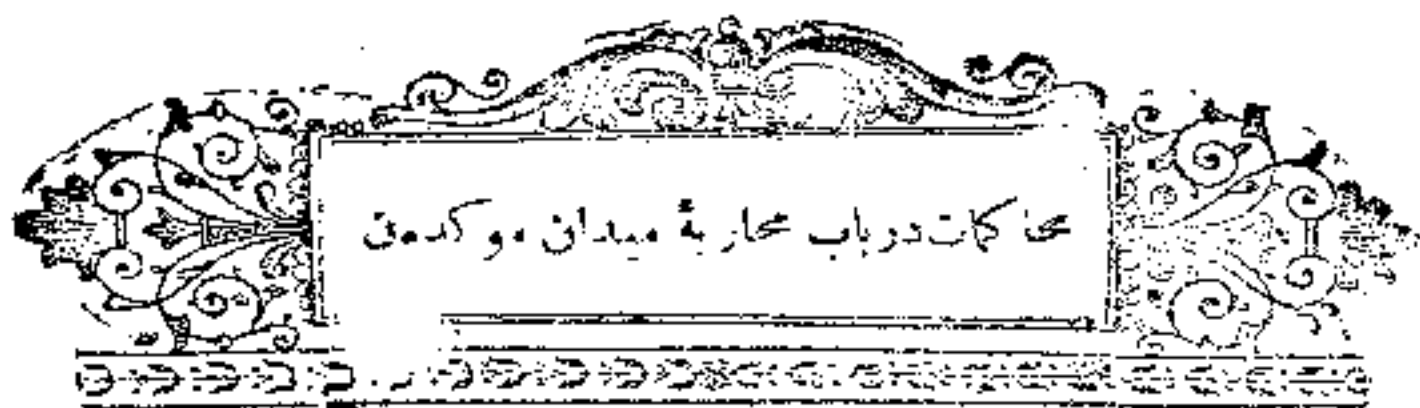
در وقت نیز هنوز بعضی قزاقهای روس در کوچه های تنهاوساکت
 شهر گردش میکردند و دروازه های خانه سارا با قوئد اوقهای تفنگ شکسته داخل
 میشدند ، و در آن خانه قتل و یغما اجرا میکردند .

این عسکرها که در میدان محاربه به ایفای وظیفه خودشان ، مقدر نمیشدند
 بیخواب میمانند که در اینجا حرص خونخوارانه خوردنشان را تسکین کنند . وحشی
 که این قزاقها ، و عسکرهای روس درین رجعت (موکده ن) اجرا کرده اند
 تعریف و تصویر کردن آن قابل نیست . این یغماگران خونخوار چون دیدند که
 خط رجعتشان بریده شد ، بسوی شهر برگشته این افعال شنیعه را بر روی کار آور
 دند . بر قو لهای نخستین سوارانی ژاپان نیز در داخل شهر آتش کردند ، و در
 جاده ها و بازارها بعضی صاده های کوچکی با زاپاها بوقوع آوردند .

فردا بوقتی که آفتاب جهانتاب علم جهان افروزی را بر افراشت بر دروازه

های شهر یرق (شمس طالع) ژاپانی در توج آمد .
 شهر موکدنق امروز در حالتی که با یرقهای چین و ژاپان مزین شده بود .
 از خواب برخواست . و یک حیات تازه جدیدی - را از نو پیدا کرد . در شهر
 یک شادمانی ، و ولوله و خرمی بدی حکمفرما گردید . در هیچ طرف از
 موجودیت روسها اثری پیدا نبود .
 اینست که شهر (موکدن) در میان یک شب اینقدر تبدیل نمود . بحران و هیجان
 دیر وزینه آن با سکوت و آرامی امروزینه آن یک تضاد عجیبی تشکیل داده بود .
 مردمان بومی شهر برای تماشای اسیران روس ، و نظام و انتظام عسا کر ژاپان
 در هر طرف جمع آمده ژاپانها را سلام میکردند .





درین بحث از نتایج مشاهدات و مطالعات جناب (پرتو) یاشاکه درین محاربه از طرف دولت علیه عثمانی حرکات تول غنم (۳) و م ژاپنا را تعقیب کرده اند محاکات و مطالعات فائده مندی استفاده شده است .

محاربه (موکدهن) از محاربه های میدانیست که در تاریخ حرب جدید برای فن عسکری خیلی شایان استفاده است .

درین محاربه یک تول غنمیکه نسبت بخصم خود مساوی حتی در بعضی نقطه ها از خصم خود فرو تر بود ، برچنان خصمیکه در وضع های مستحکمی که از مامها مامها یکبار اعتنا و قدر کارها حاضرئی محکم بندئی آنها را ندیده بودند اخذ موقع گرفته بودند تعرض ب هجوم کرده ، و این حرکت تعرضیه خودشان را با کلیل مظفریت تزئین و تزیین نموده اند .

ژاپناها بقصد قطعئی در چهار انزام ساختن دشمن خود اختیار تعرض کرده اند ، و به اینصورت روسها را محرکات و تدبیرات خود تابع ساخته ، و شرایط کامیائی خودشان را بقوت مانوره بدست آورده دشمن را از موضع مستحکم شان بیرون و بغلویت مقرون نموده اند .

این یک از قوا عد اساسیه فن حربست که در محاربه هر نوع موفقیات بامدافعه مطلقه تی بلکه به تعرض باعزم و جهداستحصال میشود ، که این مسئله باین محاربه (موکدهن) نیز بدرجه ثبوت رسید . معافیه این محاربه (موکدهن) کاملاً بحو و اضمحلال تول غنم روس نتیجه پذیر نشده است ، و ژاپناها یک

(اییه تا) ویلیک (سدان) حاصل کرده نتوانسته اند .
 اسباب حقیقیه این عدم موفقیت را میباید که در نظر توزیع و انقسام تول غند
 ژاپان نحری و جستجو نمائیم .
 ماره شال (اویانا) در ابتدای مخاربه غیر از احتیاطهای دیگر تول غند های
 خود، تنها برای احتیاط عمومی لوی غند (۳) وم، و غیرك غند های (۱، ۱۳، ۱۴ و ۱۵)
 را که جمعا بقدر دو نیم فرقه میشد در عقب مرکز نگهداشته بود که این مسئله
 هیچ موافق نبود .
 سببی که سر قوماندان ژاپان را به این حرکت واداشته بود این بود که چون تول
 غند (۳) وم خود را از جناح چپ، و تول غند پنجم خود را از جناح راست سوق
 کرده بود، لهذا اگر در آن انبار و سهار شکافتن جبهه ژاپان نسبت ورزندان
 قوت مقابله بتواند، لیکن نظر بوضعیت عمومی و تحریبه این تدبیر احتیاطی عبارت
 از اثر يك احتیاط مفرطی شمرده میشد . زیرا مرکز تول غند ژاپان خیلی مستحکم
 و باطوهای بسیار بزرگ سنگین چاپی که از (پور آرتور) آورده شده بود بخوب
 صورت تقویه شده بود، بنا بر آن اینجابه تشبثات محتمله دشمن يك قوت و مقنات
 مکمله را سطر بود، و حاجت به این قدر قوه احتیاطیه نبود .
 دیگر اینکه يك تون غندی که از غلوه بیت بمغلوبیت دوچار شده باشد و عاجز
 بودن خود را از اجرا کردن حرکات جسیمه حریبه اثبات کرده باشد اقدام
 ورزیدن اینچنین تول غند برینگونه يك حرکت همه جراتکارانه خیلی بعید می
 نمود، و اینهم يك اسر آشکاری بود که جنرال (قورویا تکین) بچنان يك فطرتی آفر
 یده نشده بود که بر حرکات جسورانه حریبه اقدام بتواند نمود .
 اینست که همه این احوال همین را اقتضا میکرد که در عقب مرکز اینقدر قوه
 احتیاطیه نباید نگهداشت، بلکه این قوت را برای تقویه کردن جناح چپ که مهم

ترین وظیفه هاراجرا میگردانند. حال آنکه اگر این قوت بحقیقت برای تقویه تول غند جنرال (خوژی) سوق میشد جناح راست روسها را بیشتر ازین طرف دفع کرده رجعت روسها را از (موکدهن) بسوی شمال مانع میگردید و به اینصورت مانند محاربه (سدان) همه تول غند روس بدست تول غند ژاپان به تسلیم و اسارت مجبور میگردد.

محاربه (موکدهن) يك قاعده حربه قديمه سر از نوروی کار آورده است که آن قاعده حربه اینست :

« در محاربه هائیکه در اطراف موضعی مستحکم محرابوع میاید نتیجه قطعی را در جیبها نی، بلکه در جناحها یعنی در نقطه هائیکه موضع مستحکم به آخر میرسد جستجو باید کرد. »

در چنین محاربه ها، صادماتیکه در جبهه واقع میشود بر مهاجمین و مدافعین تا میراتیکه اجرا میکنند از روی بعضی مثالها خوبتر و قریب الفهم تر میشود .
 لهذا محاربه میدان (موکدهن) را بادو محاربه میدان دیگر که یکی محاربه میدان (ره کسینورغ) ، و دیگری محاربه میدان (کونیکرهج) است، قایسه میمائیم :
 در (ره کسینورغ) قوا هائیکه (نپولیتون) آن را برای هجوم جناح هاما مور کرده بود پیش از آنکه بمیدان محاربه برسند خود تا پویون بایک هجوم جیب، جبهه تول غند (اوستریا) را بشکافت. و آنها را از منطقه، هلاک بیرون بر آورد. جنرال (ماسهنا) هنگامیکه بمیدان محاربه جناح چپ رسیده کار از کار گذشته بود، و بجز اینکه جناح مذکور (اوستریا) را بچیز و نا آرام سازد دیگر کاری موفق نشده .
 اگر چه تول غند اوستریا به این حرکت دوباره شده، مغلوب گردیده، ولیکن سراسر محو نگردیده، زیرا هجوم قطعی بغلگشی جنرال (ماسهنا) را (نپولیتون) بنا بر استعجال خود عظیم الامکان نموده بود .

در (کونیگسبرگ) احوال بدیگر صورت جریان یافته بود :
 درین محاربه نیز اگر چه قوماندان تول غند نخستین المانی برای یک هجوم جبهه
 نریمان (لازمه) اخذ کرده بود. لکن ماره شال (مولتکه) لوی غندهای (۵) م و (۶) م را
 کرده. تول غندها، ستیاریا انگذانت ۵ از منطقه. هلاک بیرون بر ایند که این
 حرکات، در مابین (مولتکه، و ناپولئون، و او یاما) یک، یزان مقایسه بلینبست .
 مولتکه در آن زمان گفته بود: (از چیزیکه میترسم همینست که مبادا اوستریائیها ثبات
 و مقاومت نکنند، و تا بوقتیکه هجوم بغلگی ما برسد و جهت بکنند .)

این گفته مولتکه از بنست که در پیش او به تحقیق رسیده بود که هجوم های بغلگی
 احتمال و وفقیته را هر قدر که بیشتر دارد، و وفقیتهای که از جبهه بوقوع آید غیر از
 ضرر دیگر نتیجه تولید میکند .

مع هذا ایتم شایان دستت که در چنین احوال احوال قوتها نیز که در جبهه باشد
 هرگاه امر اختیار کند، بکنند. همین مقابل فرصت تقویه کردن دیگر اطراف
 خود در دست میآید. در آنهم جایز نیست و اگر چه به بعضی نمایشها و حرکتهای
 تهدید کارانه دشمنان، که در روسیه ما حتم لازم میآید اما اینچنین نمایشها
 هرگاه زرق و برق لازم آن بیشتر بشکند، ضعیف آید. چنانکه باید و در زید .
 اینکه نه اعتراضها، و حتم بکنند. این میباید. حالانکه تغییرات و تبدلات
 وضعیت جبهه یک مسئله آبی و خطی میباشند که در همان آن و ما نلاحظه
 بوجه می آید .

چیزیکه ژاپنها را برین مجبور کرده بود، در عقب سر کز قوت زیادی نگهدارند
 این بود که مردم ژاپان بنابر مقتضای فطرت قومیه خودشان مالک حزم و
 احتیاط مفرطی میشدند .

ماره شال (او یاما) و جنرال (قوداما) و دیگر قوماندانهای ژاپان آدهای بالیاقت و

صاحب معلوماتی بودند که بر ایضا کردن و وظیفه های خودشان بحق مقتدر بودند. قواعد حربیه را که در مکتب تحصیل کرده بودند بصورت بسیار طاقولانه و مدیرانه بر تطبیق کردن موفق و کامیاب آمده بودند. امامانک همچنان طبیعتهایی نبودند که حرکات و تشبثات خارق العاده را بچشم گرفته اجراآت بسیار جسورانه اجرا نمایند. حال آنکه در حرب هرگاه تا یکدرجه تهلکه را بچشم بگیرند تحصیل کردن موفقیتهای بزرگ غیر قابلست. و ازین بود که محاربه (موکدهن) مانند محاربه های (چالدران)، و (ایبنا) و (سدان) به نتیجه قطعیه منجر نگردید.

حرکات تول غند (۳) و مژاپان خیلی موافق بود. زیرا اگر تول غند مذکور در مابین نهرها جمع میآمدند روسها که مالک سوارتی بسیاری بودند با وجود بی مهابائی که در امر استکشاف داشتند باز هم محتمل بود که آنها را کشف کرده حرکات ناگهانی آنها را مانع میآمدند.

تول غند جنرال (نوژی) که اصل آن (نوکی) است ولی چون در اخبارها (نوژی) نوشته شده شده بود ما هم بضرورت همین غلط را استعمال کردیم — در (۱۰) هم مارچ حرکتیکه اجرا نمود موافق بود اما دشمن بادمندارهای قوتناک خود صولت لوی غند (۹) هم را شکست، و بقوت یلک لوی غند مکمل به تعرض مقابل برخواست. اگر چه این تعرض مقابل روسها را دفع کرد اما روسها فرصت بدست آورده رجعت خودشان را تسهیل دادند.

این حرکت تول غند (۳) و مژ بود که رجعت روسها را بیش از حدت مهمی تحویل داد. مارشال (اویاما) این تول غند خود را از نظر دشمن به پنهان کردن موفق کردیده بود زیرا نمیخواست که دشمن بداند که این تول غند (پور آر تور) در کدام طرفست و ازین سبب بود که لوی غند هم این تول غند را هنوز در ابتدای امر بسوی جنوب کشیده بود، و به این حرکت خود روسها را به این فکر انداخته بود که تول

غند جنرال (نوکی) فاتح (پور آنور) در طرف جنوب است، و در حالتیکه جنرال (قور ویا تکین) به آن فکر بود بناگهان تول غند مذکور از طرف ضرب بنظام بادزق شکلی ظهور نموده خطر رجعت تول غند روس را در زیر تهدید در آورد، و به این صورت رجعت تول غند روس را تسجیل داده به جرمها و تعرضهای شدید پی هم که اجرا کردند رجعت شان را بهزیمت تحویل دادند.

هرگاه به این حرکت بسیار محقول و پسندیده مارشال (ایاما) که پیر حرکت فرستادن قوت بسیاری نیز منظم می گردید و علی الخصوص اگر سواران ژاپان بر سواران روس قایق، بیود بسیار تر ازین غنائیم جریبه، و خیلی بیشتر ازین اسیریدست ژاپانهای افتاده ژاپانها با سواران خود در آنجا کلهای ماشیندار و قطعات، پیاده الحاق و ترفیق می کردند که بسبب کمبودنی سواران شان این تدبیر خیلی مناسب یک تدبیری بود. به این تدبیر با وجود نفوق جسمه سواران روس هیچیک وقتی بر سواران ژاپان غالب آمده نتوانسته اند.

آمدیم بر دیگر تول غندهای ژاپان: تول غندهای (قور وکی) و (یاو) و وظیفه های خودشان را بخوبی مجا آورده توانسته اند، و با حرکت تعرضیه خودشان نظر دقت دشمن را بسوی خود جلب نموده تا که ممکن بود بسیار قطعات روس را در پیش روی خودشان ثابت و مشغول ساخته توانسته اند.

در آشنای رجعت روسها، تمام شدن جبهه خانه بعضی غندکهای تول غند (۳) و م ژاپان بر او بسیار فایده مند شده بود. در قطعات تول غند ژاپان اگر چه در باب رسانیدن از زاق و جبهه خانه تدابیر و اهنهات فوق العاده بکار برده میشد با وجود آنهم در چنین زمانهای مهم به اینصورت بی جبهه خانه ماندن ظاهر میسازد که در وقت حضر برای تشکیلات قولهای جبهه خانه رسان و مانورهای آن تا چه در جبهه سوی و همت صرف کردن لازمست.

در محاربه (سانده نو) سوارئی ژاپان بسایه پیاده جنگی کردن تعرضهای بسیار قوتمند پیاده روس را بدفعات رد و دفع کرده اند که اینهم معلوم میکنند که در وقت حضر سوارئی خودشان را در تعلیم و مانور پیاده جنگی کردن، خوب تربیه داده اند. روسها اگر چه مالک سوارئی بسیار جسیمی بودند ولی چون از مانور سوارئی ری و باقطعات جسیمه غافل بودند از بقوت های خود استفاده ننو انسته اند. اینقا عده حربه که صنف سوارئی را خدمت کشف، و پیاده جنگی کردن را تعلیم باید کرد بعد از آن محاربه نیز قیمت و اعتبار خود را محافظه کرده است.

آمدیم بر احوال روسها: اولاً اینست که ما هادر عقب یک موضع مستحکم بعداً فعه، طاقه احتیاری مانند چه سان نتیجه می بخشد؟ این محاربه (موکدهن) یک مثال عبرت بدیخی برای آن تشکیل میدهد.

یک محاربه تدافعی را بگمان فعالیت و حسن حرکت سوق و اداره کردن و به نتیجه موفقیت رسانیدن کار قوماندا نه ای بزرگی مانند (فره دریک) و (ناپولئون) است.

در این محاربه (موکدهن) اگر چه روسها چند بار تعرضهای مقابل اجرا کرده اند ولی این تعرضها از نوع اضطرابی و مجبوری برای رسانیدن جان خودشان بوده نه برای مغلوب کردن خصم. دیگر اینکه در هیچ یکی ازینها موفقیت حاصل نه شده است که سبب آنهم خیلی بسیط است یعنی طول غنادر و س باقطعات جسیمه پیاده تعرض کردن را یادداشت، و اجرای آن را نمیتوانست.

محاربه پیاده امروزه روز خیلی ساده کی و سهولت پیدا کرده است چونکه اولادشعرا با آتش خود، پیده نمیده کردن، و درین اثنا نمیتوانند کم تلفات دادن از قواعد اساسیه محاربه پیاده میباشد.

اما این مقصود را در وقت حرب بر اراضی بدست آوردن بسیار مشکلاست.

علی الخصوص که هر قدر بزرگی و جسامت آن قطعه افزونی گیرد این مشکلات نیز بهمان نسبت می افزاید. پس هر گاه در وقت حضر استعمال کردن تفنگ را به افراد بخوبی نیاموزانند، و بصورت مکمله از اراضی استفاده کردن ندانانند، و تخمین کردن مسافه و رسانیدن که را بر هدف از وضعیتها و مسافه های مختلف بر وجه صحت و درستی نشان ندهند در وقت حرب از عهده این کارها بر آمدن دشوار است علی الخصوص که در اتنای بسیار بحران آمیز مخاربه که افسرها، و افسرهای کوچک همه مقتول و یا بجز روح شوند هر گاه خود افراد بر دوام دادن مخاربه مقتدر نباشند، و در وقت حضر این اصول را نیاموخته باشند حاصلگر دن نتیجه موفقیت غیر قابل است. و اگر قابل هم بشود در مقابل تلفات عظیمه حاصل خواهد شد. علی الخصوص من در حرب تعرضی این دشواریها زیاد تر پیدا میگردد که درین حرب اخیر مو فوق نشدن عسکر روس در هیچ جا و هیچ هجوم شاهدانخواست.

در روز (۳) و م مارچ قطعات قول تول غند (۱۶) هم روس که به تعرض پیش میآمدند بسببی که در مسئله استفاده اراضی مهارت نداشتند خطهای شکاری بسیار کیف کیفیت بزرگ بزرگی تشکیل داده بودند که برای آتش طویلی، و پیاده زایا نها کتله های سیاه سیاهی برای هدف بوجود آورده بودند، و از آن رو در زیر آتش شدت ناک و صحیح ژاپانها از چند صد متره مسافه به تلفات دهشتناک عظیمی دوچار آمده بصورت بسیار خون آلودی رجعت کردند.

خطاهاییکه در وقت حرب اجرا میشود، جزایهای بسیار سریع و مدهشی در عقب آن میآید. افراد روس در هر جائیکه بی افسرو بی افسر کوچک مانده اند ما ندرمه کوسفند بی چوپان حیران و سرگردان مانده اند، و نه بر پیش رفتن و نه بر پس کشتن منتظم یك قرار قطعی داده توانسته در هم و بر هم شده با تلفات عظیمه فرار کرده اند.

حال آنکه ژاپنها در باب استفاده از ارضی مهارت خودشان را در پنجبار به پیشتر اثبات کرده اند، و هم در بسیار جاها که افر ادبی افسر مانده اند بارها بار خود افراد یکماه خوبی و درستی خودشان را اداره کرده توانسته اند.

در خصوص اسباب اینها، روسها بسیار چیزها گفته شده است حتی بطرز خرداک ژاپنها و روسها نیز اسبابها بیان کرده اند. اما در این خصوص سبب یکانه که تأثیر قطعی اجرا کرده همانا در احوال روحیه جنرال (قورویا تکین) جستجو باید کرد.

بلی، با وجودیکه تول غندروس به نسبت تول غندزایان قوتمندتر بود، و نسبت به طویچئی زایان (۳۰۰) طوپ صحرا (۱۰۰) طوپ محاصره افزونتر داشت باز هم در محاربه (موکدن) دوچار انزام گردیده سبب یکانه این انزام مجز خود جنرال (قورویا تکین) دگر هیچ چیزی نبود.

جنرال (قورویا تکین) با وجودیکه صاحب معلومات علمی و نظری، کلمه عسکری بود ولی از منایا و مهارتها شیکه برای قوماندانهای بزرگ مخصوصست محروم بود، و در قرار خود دایما تردد، و در اجراءات خود بدرجه که لازم باشد شدت و قطعیت را مالک نبود.

دیگر اینکه جنرال (قورویا تکین) آنچنان اقدار و کایک تول غند بسیار جسیمی و ادراک بتواند نیز مالک نبود. چونکه در نظریات علمی عسکری استادیگانه شدن دیگر، و در وقت کار و عملیات این فن که در زمان محاربه در مر آن حرکات سوق الجیشیه نسبت به احوال حرب تغییر و تبدل می یابد عسکر، اسبقی و اداره کردن و کار را از پیش بردن سراسر دیگر است.

(قورویا تکین) در تول غنددوات روس، چنان یک جنرالی بود که در معلومات نظری علم عسکری صاحب بد طول بود. ولی چنان یک قوماندانی نبود.

که در عالم عسکری قیمت فعلیات خود را بر روی کار بسیار دزیر احركات و اعمال او بالفعل شاهداثبات این مدعا شده است .

دیگر سبب مغلوبیت تول غنندروس این بود که افسران و افراد تول غنندروس نظر باحتیاجات وقت حاضر از اصول و قواعد جنگ بیخبر بودند . در افسران ، فکر نمیه وی هیچ وجود نیبود . تعلیم و تربیه افراد سراسر ، مقفود بود . یک تول غنند هر چیزیکه در وقت حاضر بکار در وقت سفر آبرامیدرود . تول غنندیکه برای حرب حاضر و تربیه نشده باشد اگر بر سر آن یک قوماندان داهشی بزرگی هم باشد از مظفر شدن آن امنیت و خاطر جمعی حاصل نمیشود .

حالا نکه همه این اسباب ، مظفریت را حاضر کردن نیز خیلی مشکل و به بسی اسباب ، همه عمیقی مربوط است . این اسباب در تول غنندروس ، موضوع بحث نشده بود . لهذا این بی بختی و بدعاقبتی تول غنند های

روس در صحرا های (مانچوری) لازم ،

و طبیعی ، و مقدر بوده است

له انتهای جلد چهارم

مجموعه و کلمات

